

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسمان سیاسی فلسطین و عملیات طوفان الاقصی

مقدمه:

عملیات طوفان الاقصی، علاوه بر ایجاد طوفانی بزرگ در جغرافیای فلسطین اشغالی و زیرو رو کردن تمامی ساختارهای رژیم صهیونیستی و ناکارآمد کردن این ساختارها، طوفانی بس بزرگ تر در سراسر جهان ایجاد کرد و وجدان همه ملت ها را نسبت به ظلم ۷۵ ساله علیه فلسطینی ها بیدار کرد.

این عملیات و در پی آن صبر و ایستادگی بی نظیر مردم غزه در برابر بمباران های پی در پی آمریکایی ها و صهیونیست ها، از یک واقعیت پیش رو پرده برداشت و آن این که فروپاشی رژیم جعلی، غاصب و کودک کش صهیونیستی، امری قطعی است. اما در این میان، به دلایل عملیات روانی و جنگ شناختی دشمن و دنباله های آنان در کشور عزیزمان ایران، سئوالات و شبهاتی در لایه هایی از مردم، دانشگاهیان و خصوصا

جوانان پدید آمده است. سئوالات و شبهاتی از قبیل این که چرا سیاست جمهوری اسلامی نابود کردن رژیم صهیونیستی است؟ چرا جمهوری اسلامی با وجود مشکلات داخلی به فلسطین کمک می کند، در حالی که فلسطینی ها، خودشان زمین هایشان را به یهودی ها فروخته اند؟ چرا حماس این عملیات را انجام داد تا رژیم صهیونیستی برای دفاع از خود مردم غزه را بمباران کند؟ به چه دلیل می گوئیم در این عملیات، صهیونیست ها شکست خورده اند؟

البته علاوه بر این سئوالات، سئوالاتی هم به شکل طبیعی در جامعه مطرح است مانند اینکه آینده این جنگ چه خواهد شد؟ یا این سؤال که آیا ممکن است این جنگ، به یک جنگ منطقه ای یا یک جنگ جهانی تبدیل شود؟

گرچه به طور دقیق نمی توان از مختصات رویدادهای آینده سخن گفت، اما در متن حاضر با عنوان «**پرسمان ویژه فلسطین و عملیات طوفان الاقصی**»، به تعداد قابل توجهی از سئوالات و شبهات اساسی و مهم مرتبط با موضوع فلسطین، عملیات طوفان الاقصی و سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی و ملت مظلوم فلسطین، پاسخ داده شده است.

ضمن تشکر از کارشناسان و همکاران در معاونت تبیین و گفتمان سازی که در تهیه این پرسمان زحمت کشیدند، مطالعه متن حاضر به تمامی جهادگران تبیین توصیه می شود. بیان نقطه نظرات و پیشنهادات شما بزرگواران عرصه جهاد تبیین، می تواند در بهبود و غنا بخشی به محتوای تولیدی معاونت، کمک شایانی کند.

الف) چرایی تقابل ایران با رژیم صهیونیستی و حمایت از مردم فلسطین

۱- چرا جمهوری اسلامی ایران موجودیت اسرائیل را به رسمیت

نمی‌شناسد و با آن مخالف است؟

رژیم اشغالگر قدس، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بحران‌زا در منطقه غرب آسیاست و جمهوری اسلامی به دلایل گوناگونی با آن مخالفت دارد. مهم‌ترین نکته، تشکیل غیرقانونی این رژیم در سال ۱۹۴۸ است. ماجرا با پروژه‌ای انگلیسی و انتشار اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۹ میلادی آغاز شد که نتیجه آن تعهد انگلیسی‌ها به تشکیل کشوری یهودی در سرزمین فلسطینیان با هویت اسلامی بود. پس از آن با مدیریت انگلیس و در نهایت آمریکا این پروژه دنبال شد و در نتیجه آن، بسیاری از فلسطینی‌ها از سرزمین تاریخی‌شان اخراج و ورود یهودیان و صهیونیست‌های سراسر دنیا به این منطقه آغاز شد. این رژیم با اشغالگری و تجاوز، سرزمین و خاک مردم فلسطین را تصرف کرد و اکنون نیز با زور اسلحه، این جنایت را ادامه می‌دهد. روشن است که اقدام ایران در به رسمیت نشناختن و مخالفت با آن کاملاً منطقی و عقلانی است؛ چراکه آن را روندی

غیرقانونی و بدعت بین‌المللی می‌داند و بر این اساس، هیچ‌گاه این رژیم را به رسمیت نشناخته و رژیم صهیونیستی را غاصب و اشغالگر می‌داند. از سوی رژیم صهیونیستی از ابتدای تشکیل غیرقانونی‌اش، همیشه عاملی برای تزلزل در ثبات و امنیت منطقه بوده است. این رژیم با بیش از هفتادسال حیات نامشروع همواره در منطقه در حال تجاوز و جنایت و- در سایه حمایت ابرقدرت‌هایی مانند آمریکا - تهدیدی دائمی به شمار می‌رود. از طرفی خطر این رژیم در راه‌اندازی جنگ و بمباران، با داشتن بیش از سیصد کلاهک هسته‌ای- فراتر از نیاز برای جنگ در کل منطقه- خطری برای بشریت است. وقتی عامل بیشتر بحران‌های خاورمیانه رژیم جعلی صهیونیستی است، طبیعی است ایران را مخالف دائمی خود ببیند. از آنجا که تأسیس اسرائیل، اقدامی ناهمگون با نظم موجود منطقه بوده است، برای اینکه این موضوع غیرقانونی به صورت کامل در منطقه تثبیت شود، این رژیم ناچار است نظم موجود را به هم بزند تا جایی که منطق‌های جدید با مختصات جدید همسو با منافع خود ایجاد کند. از مصادیق این موضوع، طرح خاورمیانه بزرگ و انواع حمله‌ها برای ساقط کردن دولت‌های هدف، بمباران و بمب‌گذاری و ترور در کشورهای مختلف، نابود کردن مخالفان، اختلاف‌افکنی و... است که موجب نفی ثبات و ایجاد ناامنی در منطقه شده است. بخش دیگری از اختلاف ایران و این رژیم به ترور دانشمندانش با توطئه سرویس جاسوسی طرف مقابل برمی‌گردد که باهدف مقابله با پیشرفت علمی ایران به حذف دانشمندان ایران روی آورده است؛ اما ایران علاوه بر مخالفت با جنایت‌های این رژیم،

به صراحت و به تکرار راه حل مسئله فلسطین را به دنیا پیشنهاد داده است. این پیشنهاد نیز نشان دهنده منطق صریح و قانونی و اصولی ایران است که همه افکار جهانی آن را می پذیرند؛ اما ابرقدرت‌ها مانع آن هستند. «ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند.» بنابراین پیشنهاد این است که همه صاحبان حق در سرزمین فلسطین اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی در یک همه‌پرسی، ساختار نظام خود را انتخاب کنند و همه فلسطینی‌هایی که سال‌ها مشقت آوارگی را تحمل کرده‌اند نیز در این همه‌پرسی شرکت کنند. دنیای غرب باید بداند نپذیرفتن این راه حل، نشان دهنده پایبند نبودن به دموکراسی است که پیوسته از آن دم می‌زنند و این آزمون، افشاگر دیگری علیه آنان خواهد شد.

۲- چه ضرورتی دارد که جمهوری اسلامی ایران با وجود مشکلات

داخلی و تحریم‌ها از فلسطین حمایت می‌کند؟

رژیم صهیونیستی یکی از هم‌پیمانان دائمی رژیم پهلوی بود و بسیاری از مناسبات منطقه‌ای با هماهنگی این دو بازیگر و با نظارت و مدیریت آمریکا صورت می‌پذیرفت. یکی از اولین پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی، لغو همه‌جانبه مناسبات با این رژیم بود و سفارت کشور فلسطین در تهران تشکیل شد. حمایت جمهوری اسلامی از مردم فلسطین، یک حمایت راهبردی و درازمدت بوده است که با وجود

تفاوت در جهت گیری دولت‌ها، هیچ‌گاه تغییر نکرده است. این حمایت بلندمدت و راهبردی حداقل با سه دلیل از سوی جمهوری اسلامی دنبال شده است: در تفکر اسلامی، مسلمانان یک امت واحد هستند و مرزهای جغرافیایی، زبانی، رنگ و ... محدوده‌های اعتباری هستند که سبب جدایی آنها از یکدیگر نیست. اسلام همه انسان‌ها را در مقابل یکدیگر مسئول و پاسخگو می‌داند و دفاع از مسلمانان و هر مظلومی، بر هر مسلمانی واجب دانسته شده است. در قانون اساسی ایران - که بر اساس اصول اندیشه اسلامی و ارزش‌ها و تکالیف آن بنا نهاده شده است - حکومت نباید در قبال کشتار و تزییع حقوق مسلمانان بی‌گناه و مظلوم و اشغال سرزمین‌های آنان بی‌توجه باشد و سکوت کند. بر این اساس، برای ایران تنها مردم فلسطین موضوعیت ندارند؛ بلکه هر کس و جامعه‌ای که مصداق این موضوع قرار گیرد، به دلیل این وظیفه اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد گرفت. از طرفی در اندیشه اسلامی مقابله با استکبار و ظلم وظیفه مسلمانان است و به دلیل این اصل مهم، این موضوع در قانون اساسی (اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) نیز گنجانده شده است و نهادهای جمهوری اسلامی ایران موظف به عمل به آن هستند. دومین دلیل حمایت ایران از فلسطین، وظیفه انسانی است؛ حتی اگر اسلام حمایت از مظلوم را بر عهده مسلمانان نگذاشته بود، انسانیت و اخلاق حکم می‌کند از مظلوم حمایت و جلوی ظلم گرفته شود. البته اسلام هم چون طرفدار و مدافع اخلاق و انسانیت است، دفاع از آن را وظیفه دانسته است.

رژیم جعلی صهیونیستی، دشمن مشترک ایران و فلسطین است و این یکی دیگر از دلایل حمایت ایران از فلسطین است. مردم ایران قربانی دائم توطئه‌های رژیم صهیونیستی بوده‌اند. حمایت از صدام در جنگ، ترور دانشمندان و مسئولان فناوری صلح آمیز هسته‌ای ایران، هواپیماربایی، مشارکت فعال در بمب‌گذاری‌ها و انفجار و ترورها علیه ایران، جاسوسی و ایران‌هراسی در دنیا، بخشی از این توطئه‌ها و جنایت‌هاست؛ بنابراین تقابل ایران با رژیم صهیونیستی، از جایگاه یک قربانی و برای حفظ منافع ملی خود و یک اقدام متقابل است و از طرفی برخلاف القائنات رسانه‌های جریان سلطه که سعی دارد مواضع بین‌المللی ایران را بر اساس طایفه‌گرایی مذهبی نشان دهند، این حمایت و تقویت دائم مردم فلسطین- که بیشتر آنها و جریان فعال سیاسی آنها غیر شیعی هستند- نشان می‌دهد کنش ایران در این رابطه فراتر از این مسائل و فارغ از مسائل مذهبی و طایفه‌گرایی مذهبی و موضوع عرب و عجم است. دفاع از مظلوم امر بدیهی و فطری انسان است و هیچ نیازی به اقامه دلیل و برهان یا برخورداری از دانش خاص حقوقی ندارد. باید از آنها که نه تنها سعی ندارند در این اقدام بشر دوستانه مشارکت کنند؛ بلکه در آن تردیدافکنی می‌کنند، دلیل قانع‌کننده خواست. باید از آنان پرسید که چرا حاضر نیستند از ملت مظلوم فلسطین دفاع و حمایت کنند؟ همدردی نکردن با ملت مظلوم فلسطین عوامل متعددی دارد. بارزترین این عوامل، خصلت عافیت‌طلبی برخی از آنان است. اینان از هرگونه اقدامی که به زعم‌شان دردسرها آفرین و زحمت‌زا باشد، پرهیز می‌کنند و همواره به دنبال راحت جان

هستند. عامل دیگر، مصلحت‌اندیشی‌های غیرعقلانی است. به‌زعم این گروه، نفعی در این کار نیست که مجبور به حمایت شوند. عامل دیگر ترجیحات سیاسی است. برخی ذهنیت‌های تماماً سیاسی شده و کسانی که مسائل را درون چارچوب‌های قدرت تحلیل می‌کنند و موضع می‌گیرند، قادر به تفکیک امر سیاسی و دفاع از ملت‌های مظلوم نیستند؛ از این رو ترجیح می‌دهند از مظلومان مورد حمایت حاکمیت دفاع نکنند. این در حالی است که چنین رجحانی وجاهت ندارد و می‌تواند با حفظ مواضع سیاسی از ملت‌های ستم‌دیده حمایت کرد. البته عامل انحطاط شخصیتی نیز در این مسئله نقش دارد. قساوت قلب نسبت به مصائب بشری، بی‌تفاوتی و بی‌احساسی می‌آورد.

۳- کشور ما دچار انواع و اقسام مشکلات و محرومیت‌هاست، پس چه

دلیلی دارد که به مردم غزه کمک کنیم؟

پیش از پاسخ باید به این نکته مهم توجه کرد که بسیاری از کمک‌های ایران به برخی ستم‌دیدگان یا ضعفای دیگر کشورها از کمک‌های داوطلبانه مردمی است. همین‌طور، کمک مالی ایران از بودجه رفاهی، بهداشتی و... نیست، بلکه بخشی از بودجه پیش‌بینی‌شده دفاعی کشور برای تأمین امنیت کشور و مصونیت مرزهای ایران است. برای نمونه، آمریکایی‌ها اسم جنگ ۳۳ روزه را جنگ‌های نیابتی گذاشتند؛ یعنی

اسرائیل به نیابت از آمریکا و حزب الله به نیابت از ایران وارد جنگ شدند؛ اگر ما به این کشورها کمک می‌کنیم، در حقیقت از مرزهای خود دفاع می‌کنیم.

• چند دلیل دیگر:

دلیل اول این است که این کار منحصر به ایران نیست. هر کشوری در هر کجای دنیا، با قطع نظر از فقر و ثروتش، بخشی از امکاناتش را به کمک‌های خارجی اختصاص می‌دهد. کمک به کشور دیگر امری رایج و بین‌المللی است و هیچ کشوری نمی‌تواند از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کند؛ هرچند خود به این کمک مالی نیازمند باشد. امروز این امر، وظیفه‌ای بین‌المللی تعریف می‌شود و به ما اختصاص ندارد.

دلیل دوم که اختصاصی‌تر است، مربوط به رابطه میان کشورهای اسلامی است. بخشی از منافع سیاسی، معنوی، فرهنگی و حتی مادی کشورمان در ارتباط با کشورهای اسلامی تأمین می‌شود. دلیل سوم امنیت ملی است. بخشی از امنیت ملی هر کشور در خارج از مرزهایش تأمین می‌شود، یعنی شما نمی‌توانید در محدوده خاک ایران بمانید و توقع داشته باشید که امنیت‌تان تأمین شود. این امری همیشگی است؛ حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هیچ قومی دلیل نشدند مگر این که در خانه خود نشستند تا دشمن به سراغشان آمد.» این واقعیت همیشگی تاریخ است. وقتی می‌بینید دشمن در کشورهای همسایه یا منطقه علیه شما زمینه‌سازی می‌کند، شما نباید آن‌قدر بنشینید تا طرح‌های دشمن از مرحله تئوری به عمل درآید و به خاک شما حمله کند. تعرض و

تهاجم بهترین دفاع است؛ یعنی اگر دیدید در خارج از مرزها، در کشورهای همسایه یا منطقه، علیه شما اقداماتی می‌کنند، باید هوشیارانه در برابر اقدامات بی‌ثبات‌ساز دشمن آرایش گرفت. آمریکایی‌ها در نیمکره غربی هستند و ناوگان‌شان را به نیمکره شرقی می‌فرستند. اگر از آمریکایی‌ها پرسیده شود که چرا شما در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس پایگاه‌های نظامی دارید، در جواب خواهند گفت که منافع ملی آمریکا ایجاب می‌کند در این منطقه حضور داشته باشیم. بنابراین، منافع ملی مردم ایران هم ایجاب می‌کند در منطقه خودش حضور فعال داشته باشد.

۴- مگر فلسطینی‌ها ناصبی نیستند؟ پس چرا باید به آنها کمک کنیم؟

برخلاف بسیاری از شایعاتی که از گذشته درباره مذهب مردم فلسطین مطرح می‌شود، بیشتر مردم فلسطین پیرو مذهب شافعی هستند و اتفاقاً، ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی، رهبر این فرقه متولد غزه بوده است. جالب اینجاست که در میان فرقه‌های چهارگانه اهل سنت، نزدیک‌ترین فرقه به تشیع از نظر علاقه و احترام به اهل بیت (ع) و احکام فقهی، همین فرقه شافعی است.

رهبر معظم انقلاب در پاسخ به شبهه ناصبی بودن مردم فلسطین، در یکی از سخنرانی‌های خود فرموده بودند: «در بحبوحه این حرف‌ها، یک‌وقت دیدیم که ویروسی دارد تکثیر مثل می‌کند؛ دائم می‌روند پیش بعضی از بزرگان، بعضی از علما، بعضی از محترمان، که آقا شما دارید به کی کمک می‌کنید؛ اهل غزه ناصبی‌اند.

ناصبی یعنی دشمن اهل بیت. یک عده هم باور کردند، دیدیم پیغام و پیغام که آقا، می گویند اینها ناصبی اند. گفتیم پناه بر خدا، لعنت خدا بر شیطان رجیم خبیث. در غزه مسجد الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب هست، مسجد الامام الحسین هست، چطور اینها ناصبی اند؟ بله، سنی اند؛ اما ناصبی؟ این جور حرف زدند، این جور اقدام کردند، این جور کار کردند.» شهید مطهری نیز در سال ۱۳۴۹ در پاسخ به این شبهه که از همان سالها مطرح بود، فرموده بودند: «یک وقتی دیدم یک کسی می گفت: این فلسطینیها ناصبی هستند. ناصبی یعنی دشمن علی(ع). ناصبی غیر از سنی است. سنی یعنی کسی که خلیفه بلافضل را ابوبکر می داند و علی(ع) را خلیفه چهارم می داند و معتقد نیست که پیغمبر شخصی را بعد از خود به عنوان خلیفه نصب کرده است. می گویند پیغمبر کسی را به خلافت نصب نکرد و مردم هم ابوبکر را انتخاب کردند. سنی برای امیرالمؤمنین احترام قائل است؛ چون او را خلیفه چهارم و پیشوای چهارم می داند و علی را دوست دارد. ناصبی یعنی کسی که علی را دشمن می دارد. سنی مسلمان است، ولی ناصبی کافر است. هیچ فکر نمی کنند که این، حرفی است که یهودیها جعل کرده اند. در هر جایی یک حرف جعل می کنند برای اینکه احساس همدردی نسبت به فلسطینیها را از بین ببرند.»

ب) سوالات بنیادی و تاریخی

از تنش بین رژیم صهیونیستی با مردمان فلسطین

۵- مگر بومیان فلسطینی، سرزمین‌های خود را به یهودیان فروخته

بودند؟ پس چرا فلسطینیان معترضند؟

یکی از ادعاهای صهیونیست‌ها درباره اشغال سرزمین فلسطین، خرید زمین‌های فلسطینیان است. آنها شایع کردند که مردم فلسطین زمین‌های خود را فروخته و با پول آن خوش گذرانی کردند و امروزه خواستار بازپس‌گیری زمین‌های خود شده‌اند. اما حقیقت ماجرا چیز دیگری است و تاریخ می‌گوید فلسطینیان با وجود فریب‌های مالی از سوی یهودیان و با وجود فشارهای اقتصادی انگلیسی‌ها، از زمین‌های خود مواظبت کردند؛ و بر اساس اسناد موجود تنها شش تا هشت درصد از مناطق اشغالی را یهودیان خریداری کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب در این باره تحلیل جالبی دارند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «اصل ماجرای فلسطین چیست؟ اصل ماجرا این است که یک عده از یهودیان متنقذ در دنیا به فکر ایجاد یک کشور مستقل برای یهودی‌ها افتادند. از فکر اینها دولت انگلیس استفاده کرد و خواست مشکل خود را حل کند. البته آنها قبلاً به فکر بودند به اوگاندا بروند و آنجا را کشور خودشان قرار دهند. مدتی به فکر افتادند به طرابلس، مرکز کشور لیبی بروند؛ لذا رفتند با ایتالیایی‌ها که آن وقت طرابلس در

دست آنها بود صحبت کردند؛ اما ایتالیایی‌ها به اینها جواب رد دادند؛ بالاخره با انگلیسی‌ها کنار آمدند. انگلیسی‌ها آن وقت در خاورمیانه اغراض بسیار مهم استعماری داشتند؛ دیدند خوب است که اینها به این منطقه بیایند. اول به عنوان یک اقلیت وارد شوند، بعد به تدریج توسعه پیدا کنند و گوشه‌هایی را، آن‌هم گوشه‌های حساسی را بگیرند. چون کشور فلسطین در نقطه حساسی قرار دارد و دولت تشکیل دهند و جزء متحدین انگلیس باشند و مانع شوند از اینکه دنیای اسلام به خصوص دنیای عرب در آن منطقه اتحادی به وجود آورد. تصرف‌شان هم این طوری بود: اول با جنگ نیامدند؛ اول با حيله آمدند، رفتند زمین‌های بزرگ فلسطین را که زارعان و کشاورزان عرب روی آنها کار می‌کردند و خیلی هم سرسبز و آباد بود، با قیمت‌های چند برابر قیمت اصلی، از صاحبان و مالکان اصلی این زمین‌های بزرگ که در اروپا و آمریکا بودند خریدند؛ آنها هم از خداخواسته و زمین‌ها را به این یهودی‌ها فروختند. البته دلال‌هایی هم داشتند که نقل شده یکی از دلال‌های‌شان همین سید ضیاء معروف، شریک رضاخان در کودتای ۱۲۹۹ بود که از اینجا که به فلسطین رفت، آنجا دلال خرید زمین از مسلمانان برای یهودی‌ها و اسرائیلی‌ها شد. زمین‌ها را خریدند؛ زمین‌ها که ملک اینها شد، با روش‌های واقعاً بسیار خشن و همراه با سبقت و سنگدلی، به تدریج شروع به اخراج زارعان از این زمین‌ها کردند.»

بر اساس آمار موجود- که همگی در اسناد ملی فلسطین موجود بوده و این آمار از دفاتر رسمی ثبت به دست آمده است- می‌توان نتیجه گرفت، فلسطینیان با درک موقعیتی

که برای آنها ایجاد شده بود، هرگز زمین‌های خود را به یهودیان نفروختند. تنها ۱/۸ درصد زمین‌ها مستقیماً به صهیونیست‌ها فروخته شد. بقیه زمین‌ها از طریق فئودال‌ها، جریان ماسونی و یهودیان قدیمی ساکن فلسطین در اختیار صهیونیست‌ها قرار گرفت که در مجموع کمتر از ۷ درصد کل مساحت فلسطین می‌شود. آنچه امروزه به‌عنوان کل فلسطین در تصاحب صهیونیست‌ها قرار دارد، زمین‌هایی است که از طریق قتل، غارت و کشتار به دست آورده‌اند.

۶- ادعای مالکیت تاریخی یهودیان از زمان پیامبری حضرت موسی

بر اراضی فلسطین چقدر صحیح است؟

یهودیان و صهیونیست‌ها اولین ساکنان فلسطین نبودند، بلکه زمانی بسیار طولانی، قبل از اینکه آنها به این سرزمین بیایند، فلسطین سکنه داشت. در ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد، اقوام سامی از قلب حجاز به سوی سرزمین‌هایی مانند فلسطین کوچ کرده و اقوامی چون اعراب کنعانی در فلسطین سکنی گزیدند و اولین ساکنان شناخته‌شده در فلسطین، کنعانی‌ها بودند. حدود هزار سال پیش از میلاد، اقوامی به نام فلسطینی که از دریای «اژه» آمده بودند، به این ناحیه راه یافته و جای کنعانیان را گرفتند. مدت‌ها پس از مهاجرت فلسطینی‌ها و کنعانیان به سرزمین فلسطین، قوم بنی‌اسرائیل، به همراه حضرت موسی (ع) در فلسطین سکونت کردند. بنابراین، سرزمین فلسطین، سرزمین اصلی یهودیان و صهیونیست‌ها نبوده است.

قوم بنی اسرائیل، بیشتر از هر امتی به پیامبران شان ظلم و ستم کرده و اعتنا به سخنان آنها نکرده و آنان را به شهادت می‌رساندند و در اثر همین ظلم و ستم‌ها، به نقاط مختلف دنیا پراکنده می‌شدند که بعداً جنبش و سازمانی به نام صهیونیست جهانی، در سال ۱۸۹۷ میلادی - حدود ۱۲۰ سال پیش - در بال سوئیس از سوی ۲۴۰ نفر از سران یهود، از کشورهای مختلف، تشکیل شده و ادعای مالکیت سرزمین فلسطین را داشته و خواهان تشکیل دولت یهود در فلسطین هستند.

به طور کلی، اصول صهیونیسم و هدف آنان، ساختن یک مذهب و یک ملت و یک دولت از یهودیت است و می‌کوشد تا تمام یهودیان دنیا را با توسل به جنگ‌های توسعه طلبانه، در سرزمین فلسطین گرد هم آورد؛ زیرا بر اساس منطق عقل و قوانین جهانی، می‌توان بدون جنگ و زور و کشتار درجایی زندگی کرد و نباید به خاطر زندگی طولانی مدت در یک سرزمین ادعای مالکیت آن سرزمین را کرده و آن را متعلق به ساکنان اصلی آنان ندانست. درحالی که صهیونیست‌ها به دلیل اینکه عده‌ای از یهودیان در مدت طولانی در سرزمین فلسطین زندگی کرده‌اند و در آنجا پیامبران‌شان برای هدایت آنان فرستاده شده بودند، ادعای مالکیت فلسطین را با جنگ و کشتار مسلمانان داشته و برخلاف منطق عقل و تمام قوانین حقوق بشر عمل می‌کنند.

۷- ریشه بحران فلسطین که ۷۵ سال است به طور پیوسته ادامه دارد،

کجاست؟ آیا اساساً پدیده اسرائیل موضوع منطقه غرب آسیا بوده است؟

شکل‌گیری رژیم منحوس صهیونیستی در دل کشورهای اسلامی و در منطقه استراتژیک غرب آسیا حاصل پیوند تفکر جهانی صهیونیسم و منافع امپریالیسم غربی است و اساساً پدیده‌ای مربوط به خود منطقه جغرافیایی غرب آسیا نبوده است، بلکه اختلاف میان یهودیان و مسیحی‌ها در اروپا بوده که منجر به هولوکاست و در نهایت ایجاد دولت جعلی اسرائیل شد. اروپا برای حل و فصل آن مسئله، این غده سرطانی را به غرب آسیا منتقل کرد. اروپایی‌ها با این تیر دو نشان زدند: هم مسئله خود را حل کردند و از سر ملت یهود که مبتنی بر بنیان‌های اندیشه‌ای خود را قوم برگزیده می‌دانند که دیگران برای خدمت به آنها خلق شده و با مجاز دانستن ربا هم در بازارهای جهانی اختلال کرده و هم به انباشت ثروت دست می‌زدند تا از طریق آن به رسانه و قدرت دست یابند، راحت شدند و هم فضایی در خاورمیانه ایجاد کردند تا نیاز به مداخله آمریکا و اروپا در این منطقه برای همیشه وجود داشته باشد. آنها اسرائیل را در قلب سرزمین‌های فلسطین ساختند تا از طریق آن، بتوانند منطقه غرب آسیا را طبق برنامه‌های خود مدیریت کنند. این در حالی است که از گذشته همه افرادی که ساکن این منطقه بودند، از هر دینی اعم از یهودی، مسیحی و مسلمان در کنار هم زندگی می‌کردند و مسئله‌ای با هم نداشتند.

مسیر قدرت‌یابی رژیم صهیونیستی در این پرونده از همان ابتدا که سنگ بنای آن را انگلیس خبیث و روباه صفت گذاشت، با چند مؤلفه همراه بوده که زورگویی و

خسونت شاخصه اصلی آن است. اسرائیلی‌ها با تصاحب خانه فلسطینی‌ها آنها را آواره می‌کردند. آوارگی مردم فلسطین مسئله امروز نیست و از همان ابتدای تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۳۲۷ هجری خورشیدی به آنها تحمیل شده است. کشت و کشتار فلسطینی‌ها نیز از همان روز آغاز شده است؛ اما هیچ‌گاه فلسطینی‌ها یهودی‌ها را نکشتند و آواره نکردند، بلکه فقط از خود دفاع کردند. یهودی‌های صهیونیست برای ایجاد دولت به «زمین» و «جمعیت» نیاز داشتند، اما نه زمین داشتند و نه جمعیت. لذا رژیم صهیونیستی برای رسیدن به هر دوی آنها برنامه‌ریزی کرد و البته از حمایت اروپا و آمریکا نیز برخوردار شد. اسرائیل سالانه ۳ میلیارد دلار از آمریکا پول دریافت می‌کند و بدون حمایت مالی ایالات متحده امکان بقا ندارد. اروپایی‌ها تصمیم گرفتند منطقه فلسطین را به یک سرزمین مناسب برای یهودی‌ها و تشکیل دولت یهود تبدیل کنند و از آنجاکه در آن مقطع یهودی به اندازه کافی در این سرزمین وجود نداشت، اقدام به انتقال یهودی‌ها از سراسر دنیا به این منطقه کردند. به همین دلیل از حدود ۱۰۰ سال پیش به این سو هر سال بر تعداد یهودی‌های این منطقه افزوده شده است.

پ) نقش ایران در عملیات طوفان الاقصی

۸- آیا ایران در طرح‌ریزی و اجرای عملیات بزرگ گروه‌های

مقاومت فلسطین (عملیات طوفان الاقصی) نقشی داشته است؟

اجرای عملیات غافلگیرانه طوفان الاقصی در سرزمین اشغالی فلسطین، صهیونیست‌ها و جریان حامی آنها را مات و مبهوت کرده است. به باور صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل سیاسی-امنیتی عملیات طوفان الاقصی بی‌سابقه‌ترین عملیات علیه صهیونیست‌ها از سال ۱۹۴۸ زمان تأسیس دولت غاصب صهیونیستی تا به الآن بوده است. البته ضرب‌شصت غافلگیرکننده و وحشت‌آفرین حماس و نیروهای مقاومت فلسطین به پیکره نحیف و روبه‌زوال رژیم صهیونیستی، سوای از برهم زدن بسیاری از تعاملات منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی، نگاه‌ها را به سمت و سوی ایران نیز معطوف کرده است. آیا ایران نقشی در طرح‌ریزی و اجرای این عملیات بزرگ جبهه مقاومت داشته است؟ این سؤال است که جریان رسانه‌ای نظام سلطه مأموریت یافته تا به انحای مختلف با به‌کارگیری انواع شگردهای عملیات روانی-رسانه‌ای در اذهان عمومی ایران، منطقه و دیگر کشورها ایجاد کند.

همان گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند، این عملیات یک عملیات فلسطینی و با تلاش گروه‌های مقاومت فلسطینی بود. این مسئله بر همگان آشکار است که خود فلسطینی‌ها در طراحی و عملیات نقش داشتند و عملیات را به صورت مشترک با سایر گروه‌های مقاومت فلسطینی انجام دادند. باید به این نکته توجه کرد که امروزه مقاومت در سطح فلسطین به چنان ابتکار و توانایی‌هایی رسیده که از سطح عملیات تا اجرای آن را به خوبی انجام می‌دهد و این گونه ارتش به اصطلاح پنجم دنیا را زمین گیر و دچار شکست ترمیم‌ناپذیر می‌کند.

«علی کریمی مقام» عضو نمایندگی ایران در سازمان ملل در پاسخ به برخی ادعاهای مطرح شده از سوی رسانه‌های نزدیک به لابی صهیونیستی-آمریکایی در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس گفت، تصمیمات مقاومت فلسطین «خودجوش» و «مطابق منافع قانونی ملت فلسطین» است. وی تأکید کرد: «ما همدلانه برای حمایت راسخ از فلسطین در کنار آن ایستاده‌ایم. اگرچه، ما در پاسخ فلسطین نقشی نداریم؛ چراکه صرفاً از سوی خود فلسطین انجام می‌شود.»

۹- با توجه به اظهارات مقامات رژیم صهیونیستی مبنی بر نقش داشتن

ایران در عملیات طوفان الاقصی آیا اسرائیل به ایران حمله خواهد کرد؟

اما سوای از شبهه پردازی‌ها و شایعه پراکنی‌های جریان رسانه‌ای صهیونیستی-آمریکایی-ضدانقلاب علیه ایران، یک سؤال مهم در لابه‌لای این گونه مطالب منتشر شده و در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود. آیا اسرائیل به ایران حمله می‌کند؟

اگرچه مجموعه عوامل مهم و متعددی وجود دارد که به سران رژیم صهیونیستی اجازه طراحی و احتمال هرگونه برنامه تهاجم نظامی علیه ایران را نمی‌دهد؛ اما واکنش‌های اخیر کاخ سفید به عملیات طوفان الاقصی و پیام‌های هشدارآمیزی که به سران صهیونیست‌ها ارسال کرده‌اند از یک سو و پاسخ شدیداللعن ایران و توصیه‌های برخی از کارشناسان همسو با رژیم صهیونیستی از دیگر سو احتمال بروز این خطای راهبردی و استراتژیک از سوی صهیونیست‌ها را به صفر می‌رساند. بنابراین، به اجمال می‌توان در پاسخ به این پرسش به واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های مقامات آمریکایی، مسئولان ایران و رسانه‌های همسو با صهیونیست‌ها اشاره کرد. الف) از آغاز این عملیات و مشاهده حجم وحشی‌گری‌های رژیم غاصب تاکنون، مقامات جمهوری اسلامی از رهبر معظم انقلاب تا سخنگوی وزارت امور خارجه و نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل، دست داشتن جمهوری اسلامی در حمله حماس به اسرائیل غاصب را رد کرده‌اند؛ اما با این حال، بسیاری از آنان از جمله رهبر معظم انقلاب به صراحت از این حمله پشتیبانی کرده و تأکید کرده‌اند این عملیات از طراحی تا اجرا کاملاً فلسطینی بوده و ما بازوی جوانان خوش فکر فلسطینی طراح و عامل آن را می‌بوسیم.

ب) «ناصر کنعانی» سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در نشست خود با خبرنگاران در پاسخ به تهدیدات صهیونیست‌ها و تعدادی از سناتورهای آمریکایی علیه ایران گفت: «آن کس که ایران را تهدید می‌کند، بداند هر اقدام احمقانه‌ای علیه ایران با پاسخ ویرانگر همراه خواهد بود. جهان امروز با توجه به مصادیق

فراوان توانمندی‌های ایران در عملیات در هوا، زمین و دریا به دست برتر ایران در هر گونه تهاجم و تعرض نظامی اذعان دارد. صهیونیست‌ها این نکته مهم را از گفت‌وگوها و برگزاری اجلاس‌های بی‌نتیجه خود علیه ایران به‌خوبی فهمیده‌اند.»

ج) «رویترز» در خبری به نقل از برخی از مقامات کاخ سفید اعلام کرد، آمریکا هیچ نشانه‌ای مبنی بر دست داشتن ایران در حمله حماس به اسرائیل در اختیار ندارد. در این عبارات کوتاه پیام مهم عدم بهانه کافی برای همراهی با صهیونیست‌ها در حمله احتمالی آنان به ایران نهفته است. در آخرین موضع‌گیری هم سخنگوی کاخ سفید هرگونه ادعا درباره درگیری با ایران را رد کرد و گفت: «به دنبال درگیری با تهران نیستیم و عملیات اخیر ما در سوریه جدا از آنچه میان اسرائیل و حماس در حال رخ دادن است، صورت گرفت.» (تابناک به نقل از الجزیره، ۶ آبان ۱۴۰۲، کد خبر ۱۲۰۱۰۲۰)

د) به نوشته برخی از رسانه‌های آمریکایی، مقامات برخی از کشورهای اسلامی، اما نزدیک به صهیونیست‌ها به مقامات رژیم صهیونیستی پیام هشدارآمیزی داده‌اند که در پاسخ به حملات نیروهای مقاومت به‌هیچ‌وجه ایران را تحریک نکنند. جهانیان به‌ویژه جهان اسلام بخشی از قدرت انکارناپذیر ایران را در مبارزه با پدیده آمریکایی داعش به‌خوبی به‌خاطر دارند. از این رو برخی از کشورهای اسلامی هم‌سو با رژیم صهیونیستی در پیام‌هایی تأکید کرده‌اند که اسرائیل، توان داخلی و ظرفیت و توانمندی درگیری و مواجهه با قدرت نظامی جبهه مقاومت و ایران را ندارد.

ت) دلایل شکست سنگین رژیم صهیونیستی در عملیات طوفان الاقصی

۱۰- چطور می‌گوییم رژیم صهیونیستی در عملیات طوفان الاقصی شکست خورده است؛ در حالی که این رژیم در کنار بمباران وحشیانه هوایی منطقه کوچک و پرتراکم غزه وارد درگیری زمینی هم شده است؟

منظور از شکست در این خصوص، فروپاشی تصویر دروغین توانمندی اسرائیل غاصب است. صهیونیست‌ها در این سال‌ها در اذهان مردم و در افکار عمومی چند چیز را حاکم کرده‌اند:

۱- سازمان اطلاعاتی اسرائیل، قوی‌ترین تشکیلات جاسوسی در جهان است و بر همه چیز مسلط است.

۲- رژیم صهیونیستی ارتشی دارد که هیچ‌گاه طعم شکست را نمی‌چشد. اسرائیل قدرت تهاجمی دارد، اما نه فقط علیه فلسطینی‌ها، بلکه علیه همه کشورهای می‌توانند حامی مردم فلسطین باشند، وارد عمل می‌شود. بر همین اساس، در زمانی که اسرائیل با عراق، سوریه، مصر و ایران سر جنگ مستقیم نداشته است، به مراکز هسته‌ای این کشورها حمله کرده یا دانشمندان هسته‌ای این کشورها را ترور کرده است. رژیم

صهیونیستی معتقد است، در کشورهای اسلامی و عربی نباید قدرتی بیشتر از قدرت اسرائیل تشکیل شود.

اما عملیات طوفان الاقصی نشان داد، سازمان اطلاعاتی اسرائیل آسیب پذیر است. همچنین ارتش این رژیم آن تصویری نیست که اذهان عمومی دارند و شکست پذیر است. ضمن اینکه کشتار هوایی غیرنظامیان و زنان و کودکان بی گناهی که هیچ ابزاری جنگی ندارند و کاملاً بی دفاع هستند، نه تنها ارزش و مزیت نظامی به شمار نمی آید؛ بلکه موجب آبروریزی رژیم مدعی قدرت صهیونیستی هم هست. همچنین تأخیر سه هفته‌ای و با اعمال احتیاط‌های بی شمار اسرائیل غاصب در ورود زمینی به داخل نوار غزه و قبل از آن ارسال پیغام و پیغام هشدار به ایران و حزب الله لبنان برای عدم ورود به این درگیری چیزی جز نشانه شکست نیست. اگرچه با بمباران گسترده و کشتار غیرنظامیان و حمله به بیمارستان‌ها به ظاهر دست برتر را دارد؛ اما همین که نمی تواند تمام کننده ماجرای فلسطین که هدف غایی آنهاست باشد؛ یعنی شکست خورده است.

۱۱- چرا رهبر معظم انقلاب، شکست رژیم صهیونیستی در عملیات طوفان

الاقصی، را ترمیم ناپذیر بیان کردند؟ ابعاد و ریشه این مسئله چیست؟

رهبر حکیم انقلاب در مراسم دانش آموختگی دانشگاه‌های افسری مسئله شکست صهیونیست‌ها را متذکر شدند؛ اما نکته جدید آن بود که فرمودند: «این شکست

غیرقابل ترمیم است.» اگر دقیق‌تر، فنی‌تر و علمی‌تر توضیح دهیم، این برمی‌گردد به زمانی که رژیم صهیونیستی از سوی «داوید بن گوریون» پایه‌گذاری شد. وی یک دکترین نظامی برای این رژیم تعریف و طراحی کرد که تا روز ۱۵ مهر اصول این دکترین کماکان برقرار بود. این اصول چهار رکن یا اصل داشت که بن‌گوریون پایه‌گذاری کرد و نظریه تمام رؤسای ستاد ارتش یا وزرای جنگی که تابع شرایط و ضوابط دکترین جدیدی ارائه می‌دادند، بر این چهار رکن استوار بود و بر اساس این چهار رکن، خوانشی راهبردی از شرایط و اقتضائات زمانه به آن ضمیمه و راهبرد جدیدتری تعریف می‌شد. این چهار اصل عبارتند از: اصل اول بازدارندگی، به این معنا که رژیم باید از نظر نظامی چنان قدرتی داشته باشد که دشمنان او حتی جرئت فکر کردن به اینکه این رژیم را تهدید کنند به خود راه ندهند و این یعنی اصل تفوق نظامی بر دشمنان. اصل دوم، هشدار بود؛ به این معنا که اسرائیل به دلیل اینکه دچار فقدان عمق راهبردی بوده و مساحتش بسیار محدود و جغرافیایش طول و عرض بسیار محدودی داشته و عمق استراتژیک ندارد، برای جبران این خلأ باید اشراف برتری اطلاعاتی داشته باشد تا اگر کشورهای دیگر اراده کردند به اسرائیل حمله کنند قبل از اینکه بخواهند این تصمیم را محقق کنند، با پیش‌دستی اطلاعاتی، آمادگی‌های لازم را کسب کرده باشد. اصل سوم انتقال منطقه نبرد به قلمرو دشمن بود. اصل چهارم دفاع از شهروندان در مقابل حملات هوایی، موشکی و امثالهم بود. تمام جنگ‌های اعراب و اسرائیل بر اساس این دکترین پیش رفت؛ مثلاً بر اساس اصل اول که بازدارندگی

است و اصل سوم شاهد این بودیم که صهیونیست‌ها از راهبرد عملیاتی حملات برق‌آسا- شیوه جنگ ارتش آلمان نازی در جنگ جهانی دوم- بهره می‌برد که مبتنی بر سه اصل بود: ۱- توانمندی فوق‌العاده در آتشباری - چه به صورت توپخانه، چه به صورت نیروی هوایی - روی نیروهای دشمن و هم‌زمان پیشروی سریع و برق‌آسا از سوی نیروهای پیاده و زرهی. در اینجا ستون فقرات عملیات برق‌آسا را نیروهای زرهی تشکیل می‌دادند که در جنگ ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و اشغال لبنان در ۱۹۸۲ این راهبرد پیاده شد، راهبردی ثابت در رژیم صهیونیستی بود. اتفاقی که در این طوفان سهمگین رخ داد، این بود که هر چهار اصل دکترین نظامی اسرائیل که میراث بن‌گوریون بود، دود شد و به هوا رفت و دیگر خبری از بازدارندگی به معنای آن برتری نیست و نه خبری از هشدار بود، نه خبری از انتقال نبرد به سرزمین یا قلمرو دشمن و نه خبری از دفاع از شهروندان در مقابل دشمن بود. روز نابودی دکترین نظامی و دفاعی اسرائیلی‌ها بود که البته چندان دفاعی هم نبود و ماهیتاً تهاجمی بود و عملاً نابود شد.

به همراه این اتفاق شاهد فروپاشی ساختارهای عینی و ذهنی نظامی و امنیتی و دکترین نظامی اسرائیل بودیم و هیمنه و تصویری که صهیونیست‌ها از ارتش و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی‌شان ساخته بودند، فروپاشید. بر اساس آخرین نظرسنجی سالانه مؤسسه مطالعات امنیت ملی، سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ محبوب‌ترین نهادها در اسرائیل ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بودند؛ اما امروز پرسشی که در میان صهیونیست‌ها فراگیر و در رسانه‌ها بازتاب پیدا کرده، این است که مقامات نظامی و امنیتی ما کجا

بودند که چنین بلای عظیمی بر سر ما نازل شد؟ به قول نتانیا هو در گفت و گو با بایدن، این بزرگ‌ترین بلایی بود که بر سر اسرائیلی‌ها بعد از هولوکاست آمد.

۱۲- حماس چگونه دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی را فریب داد؟

زمانی که جهاد اسلامی برای جنگ با اسرائیل وارد شد، همه گفتند چرا حماس به جنگ با اسرائیلی‌ها وارد نشد. اسرائیلی‌ها شروع کردند حماس را ضعیف کنند تا درون غزه یک درگیری راه بیندازند. آنها برای این مسئله چند کار مقدماتی انجام دادند. یک، ظرف دو ماه اسرائیلی‌ها علیه حماس حدود هفده عملیات کردند، تک می‌زدند، اسیر، شهید و مجروح می‌گرفتند، سپس می‌آمدند کنار. یعنی سیستم حماس را با درگیری جزئی تلاش می‌کردند ضعیف کنند. اسرائیلی‌ها می‌خواستند درگیری را با حماس شروع کنند تا داخل را به اجماع برسانند. این اتفاق قرار بود رخ دهد، این سناریو خوانی مقاومت نسبت به عملیات اسرائیل بود. خب دو سال حماس داشت طراحی می‌کرد، هم تصویرسازی کرد برای اسرائیلی‌ها که اسرائیلی‌ها فکر کردند این فعلاً قصد عملیات ندارد. دو سال حماس طراحی کرده بود که برای روز مبادا عملیات انجام دهد. در این طراحی، هرکسی بخشی از کار خودش را می‌دانست. تمرین‌های لازم را هم کرده بودند، همه مقدمات و الزامات را هم آماده کرده بودند، لذا در یک

موقعیت مناسب، عملیات پیش‌دستانه انجام دادند. معادله را به هم ریختند، از سال ۱۹۴۸ تا الآن، چنین عملیات بزرگی نداشتیم.

لذا اصلاً فکر این را نمی‌کردند این اتفاق رخ دهد که در لحظه اول حماس بیش از هزار نفر آدم داخل سرزمین‌های اشغالی بفرستد در یازده شهرک که ۴۵۰ هزار نفر سکنه دارد. در نتیجه اولین قدرت اسرائیل که قدرت اطلاعاتی - امنیتی بود، کارایی خود را از دست داد. رژیم صهیونیستی چهار سیستم اطلاعاتی دارد که همواره به آنها می‌بالید، اما آنها نه نفوذ حماس را در شبکه خودشان فهمیدند و نه توانستند در حین عملیات طوفان الاقصی، عملکردی مناسب از خود نشان دهند. مثلاً ضد اطلاعات دارند، اما عملاً مقهور رازداری و قدرت حفاظت اطلاعات مقاومت فلسطینی شدند و به فضل الهی سیستم اطلاعاتی اسرائیل شکست خورد. نیروهای مقاومت خود را تا پایگاه ارتش رژیم صهیونیستی، یعنی تا ستاد لشکر که در عمق سرزمین‌های اشغالی است، رساندند و درگیر شدند و فرمانده لشکر را به درک واصل کردند و در آنجا اسیر گرفتند. در مرحله بعدی عملیات قرار بود در عمق بیشتر تا پایگاه هوایی اسرائیل را بگیرند. آنجایی که شما دیدید خلبانان نیامدند پرواز کنند، ترسیدند، مجبور شدند با کامیون هواپیماها را بیرون ببرند. لذا ستون دوم‌شان هم که ارتش بود، در این عملیات فرو ریخت. ارتش نتوانست مقاومت کند، یعنی آن رعبی که در اینها ایجاد شد، سبب شد ارتش مقاومت نکند، این اتفاق رخ داد و هیمنه اسرائیل شکست.

ث) آثار و پیامدهای احتمالی تحولات غزه بر منطقه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۳- تحولات غزه چه تهدیدها و آسیب‌هایی را با توجه به تلاش رژیم صهیونیستی برای یافتن اسنادی پیرامون مداخله جمهوری اسلامی ایران در عملیات طوفان الاقصی، می‌تواند برای کشورمان داشته باشد؟

۱- بمباران مواضع مقاومت در سوریه؛ پیش‌بینی می‌شود مواضع نیروهای مقاومت در سوریه مورد حمله هوایی رژیم صهیونیستی قرار گیرد. اگرچه ممکن است این اقدام در طول عملیات طوفان الاقصی صورت نپذیرد، اما به‌طور قطع بعدازاین واقعه گزینه بسیار محتمل خواهد بود.

۲- انجام اقدامات خرابکارانه رژیم صهیونیستی در ایران؛ مقامات رژیم صهیونیستی اگرچه تا چندین روز از عملیات طوفان الاقصی نتوانستند ادله و اماره‌ای مبنی بر حضور یا دخالت مستقیم جمهوری اسلامی ایران در این عملیات پیدا کرده و ارائه دهند، اما با اشارات مکرر غیرمستقیم به نقش ایران در این عملیات و تهدید عوامل پیشران آن، قطعاً درصدد ضربه به کشورمان خواهند بود.

۳- اجماع‌سازی جهانی علیه ایران برای اعمال تحریم‌های جدید؛ با آغاز عملیات طوفان الاقصی، مقامات رژیم صهیونیستی و آمریکا اعلام کردند به دنبال یافتن اسنادی پیرامون مداخله جمهوری اسلامی ایران در عملیات مزبور هستند. از این رو برخی به طرق مستقیم و غیرمستقیم جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کنند. چنین به نظر می‌رسد که پس از پایان بحران حاضر، رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی آن به هر روش ممکن در پی ایجاد اجماع جهانی برای اعمال تحریم‌های جدید و همچنین بازگرداندن تحریم‌های تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی ایران باشند.

۱۴- چشم‌انداز تحولات آتی در منطقه و غزه چگونه خواهد بود؟ آیا عملیات

طوفان الاقصی بهانه‌ای به دست رژیم صهیونیستی برای تصرف کامل نوار غزه

نداد؟

در پاسخ به این پرسش، سه سناریو را پیش روی تحولات آتی می‌توان ترسیم کرد که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود:

۱- حمله گسترده رژیم صهیونیستی به غزه؛ رژیم صهیونیستی در تهاجمات پیشین خود به غزه با فشار افکار عمومی بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری مواجه بود؛ اما در وضعیت کنونی به نظر می‌رسد ارتش صهیونیستی در تهاجم گسترده و حملات سنگین به غزه با مانع و محدودیت‌های بین‌المللی مواجه نباشد. برخی از سران رژیم اعلام

کردند، مجوز لازم برای انجام حملات گسترده علیه غزه را کسب کرده‌اند. مقامات رژیم صهیونیستی در پاسخ به شکست تحقیرآمیز و برای اعاده حیثیت جعلی خود حمله گسترده هوایی به غزه را در دستور کار قرار داده است و تلاش‌هایی هم برای اقدام زمینی انجام خواهد داد.

۲- افزایش تنش‌ها در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس؛ تهدیدهای مقامات صهیونیستی نسبت به گروه‌های مقاومت منطقه و پاسخ‌های متقابل این گروه‌ها از احتمال وقوع تنش و درگیری فراتر از سرزمین‌های اشغالی خبر می‌دهد؛ در واپسین ساعات سومین روز عملیات طوفان الاقصی، دامنه درگیری‌ها فراتر از سرزمین‌های اشغالی کشیده شد. این تنش‌ها ممکن است با عزیمت یکی از مهم‌ترین ناوهای آمریکا به دریای مدیترانه برای حمایت از رژیم صهیونیستی افزایش یابد. دور از ذهن نیست که به بهانه حمایت از رژیم صهیونیستی یا جلوگیری از ایجاد تنش و تأمین امنیت بزرگ‌ترین کریدور دریایی انتقال انرژی جهان، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس نیز افزایش یابد. تحقق این امر قطعاً حساسیت‌هایی را به وجود خواهد آورد و امکان تنش دریایی در این منطقه را افزایش خواهد داد.

۳- پیگیری پروژه نابودی کامل جنبش حماس از سوی رژیم صهیونیستی؛ با بررسی روند عملیات طوفان الاقصی و واکنش‌ها و اقدامات رژیم صهیونیستی، به نظر می‌رسد مقامات این رژیم سه گام برای مدیریت این بحران تدوین کرده‌اند. گام نخست آنان اخراج کامل نیروهای مقاومت از سرزمین اشغالی یا به عبارتی پاک‌سازی سرزمین‌های

اشغالی بوده است. با توجه به اینکه گروه راست افراطی در سرزمین‌های اشغالی بر سر قدرت هستند و با توجه به رویکرد تند آنان، به نظر می‌رسد گام سوم رژیم صهیونیستی اجماع داخلی برای نابودی کامل جنبش حماس باشد؛ چراکه در حال حاضر هم برخی از بدنه دولت نتانیا هو، یعنی کاهانیست‌ها (افراطیون) و هم بخش قابل توجهی از ساکنان سرزمین‌های اشغالی خواهان حمله گسترده ارتش به غزه با هدف نابودی حماس هستند.

۱۵- آیا حزب‌الله یا سایر نیروهای مقاومت وارد جنگ می‌شوند؟

در شمال سرزمین‌های اشغالی هر از گاهی درگیری بین حزب‌الله و اشغالگران رخ می‌دهد؛ اما اگر منظور درگیری تمام عیار همانند فلسطینی‌ها باشد، نه اتفاق نیفتاده است. البته حزب‌الله از همان روزهای اول درگیری اعلام و تأکید صریح کرد که اگر رژیم صهیونیستی ورود نظامی و زمینی داشته باشد، وارد خواهد شد. از سوی دیگر، مطابق با ارزیابی میدانی اندیشکده مطالعات جنگ، درباره تشدید درگیری زمینی ارتش اسرائیل با گروه‌های مقاومت فلسطینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

الف) در نوار غزه، نیروهای عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) در ایست بازرسی ایزر واقع در جنوب غربی سرزمین‌های اشغالی و شمال نوار غزه، به ارتش اسرائیل حمله کرده و سپس با پرتاب راکت و خمپاره، مانع ارسال نیروهای کمکی به آنها شده‌اند. در این حمله تعدادی از سربازان اسرائیل کشته شدند؛ ولی ارتش از اعلام تعداد آنان

خودداری کرده است. علاوه بر این، روستای ام‌النصر در شمال بیت‌لاهیة محل درگیری شدید گردان‌های عزالدین قسام و سراياالقدس (شاخه نظامی جهاد اسلامی) بود که در کمین نیروهای ارتش اسرائیل بودند تا از پیشروی آنان جلوگیری کنند. در بیت‌حانون نیز پیشروی ارتش اسرائیل به کمین مقاومت برخورد و دو تانک مرکاواي آنها منهدم شد. یک حمله موشکی به تل‌آویو، یک مورد به اشدود و ۹ مورد به سدروت، میوتحیم و نتیوت در اطراف نوار غزه، از دیگر عملیات مقاومت فلسطین بوده است.

ب) در کرانه باختری، شاهد چندین درگیری میان مقاومت فلسطینی و ارتش اسرائیل غاصب بوده است و در روزهای گذشته بمب‌های دست‌ساز در رام‌الله و نابلس به‌سوی سربازان رژیم پرتاب شده و در مواردی درگیری‌های نظامی در نابلس، رام‌الله، بیت‌لحم و شهرک آونی‌هوتز به ثبت رسیده است.

ج) در جنوب لبنان، حزب‌الله چند پهپاد رژیم اسرائیل را بر فراز مناطقی از این منطقه، از جمله عین‌العرب در بقاع ساقط کرده است. تعداد بالای ۱۶ حمله موشکی و راکتی حزب‌الله به کریات شمونا ادامه داشته که به تخلیه چند روستا و شهرک صهیونیست‌نشین در این محدوده انجامیده است. چند حمله موشکی نیز از جنوب لبنان به سمت مناطق اشغالی جولان در روزهای گذشته انجام شده است.

د) در عراق، مقاومت اسلامی عراق، دو پهپاد به‌سوی پایگاه آمریکا در الشدادی و یک موشک به نیروهای آمریکایی مستقر در نزدیکی میدان نفتی العمر، هر دو در استان حسکه سوریه پرتاب کرده است. این حملات در پاسخ حمله آمریکا به البوكمال در

روزهای گذشته انجام شد. دیدار قیس الخزعلی، رهبر عصاب اهل الحق با اسامه حمدان، نماینده ارشد حماس در بغداد نیز نشانه عزم جدی مقاومت عراق در حمایت از مقاومت فلسطین تحلیل شده است.

ج) راهبرد آمریکا و غرب در مواجهه با تحولات غزه

۱۶- برای تأسیس و توسعه دولت یهودی (صهیونیستی) در سرزمین‌های اشغالی،

غربی‌ها و صهیونیست‌ها چه راهبردهایی را در پیش گرفتند؟

راهبرد قدرت‌های غربی و صهیونیست‌ها برای تشکیل و توسعه دولت صهیونیستی از ابتدا تکیه بر زور نظامی و حمایت قدرت‌های بزرگ و دریافت پول کلان از قدرت‌های حامی برای توسعه سرزمینی و توسعه جمعیت بوده است. رژیم صهیونیستی برای توسعه سرزمینی تنها به منطقه فلسطین هم اکتفا نکرد؛ بلکه با چشم‌داشت به سرزمین‌های همسایگان فلسطین جنگ‌های مختلفی را آغاز کرد تا قلمرو سرزمین‌های اشغالی را وسیع‌تر کند و حتی در دوره‌ای تا بیروت، پایتخت لبنان هم پیش آمد. در چنین وضعیتی، باید گفت رژیم صهیونیستی مدام در حالت تهاجمی قرار داشته و همواره به دنبال توسعه سرزمینی و افزایش ساکنان یهودی و کاهش جمعیت بومی فلسطین بوده است.

آمریکا و اروپا هم برای حمایت کامل از رژیم صهیونیستی یک راهبرد برای خود تعریف کرده‌اند بر این پایه که فلسطین، مسئله جهان عرب، جهان اسلام و مسئله انسانی و بشری نیست. بر اساس همین راهبرد است که غرب حمایت سایر کشورها از فلسطین

را نمی پذیرد. نتیجه راهبرد جدا کردن اعراب از فلسطین و پایان دادن به حمایت آنها از فلسطین در سال‌های اخیر به پیمان ابراهیم منجر شده است. غربی‌ها نه تنها اعراب را از پوسته دشمنی با اسرائیل غاصب خارج کردند؛ بلکه آنها را به متحد اسرائیل تبدیل کردند. طرح ابراهیم باهدف عادی‌سازی روابط کشورهای اسلامی با این رژیم غاصب جزء بزرگ‌ترین خیانت‌های کشورهای عربی به آرمان فلسطین است. این کشورها حتی می‌توانستند نسبت به مسئله فلسطین بی‌تفاوت باشند، اما با دشمن فلسطینی‌ها تحت عنوان صلح پیمان بستند. وجه مضحک قضیه این است که اسرائیل جنایت می‌کند، اما پرچم صلح به دست می‌گیرد و به کمک جنگ شناختی و وارونه‌نمایی رسانه‌ای و مجازی مظلوم‌نمایی می‌کند و فلسطینی‌ها که مجبور به مقاومت و دفاع در برابر اشغالگری سرزمین آبا و اجدادی‌شان هستند، با اتهام فعالیت‌های تروریستی روبه‌رو می‌شوند.

راهبرد دیگر غرب این است که مسئله فلسطین را جدا از مسائل جهان اسلام جا بزنند. به همین دلیل بزرگ‌ترین خیانت ترکیه به عنوان یکی از کشورهای به‌ظاهر اسلامی و حامی فلسطین در قبال فلسطینی‌ها مرتکب شد، پیش‌تاز عادی کردن رابطه با رژیم صهیونیستی بود. غرب در این سال‌ها تلاش کرد با وارونه‌سازی حقیقت، بگوید که مسئله اسرائیل و فلسطین مسئله برخورد کشوری که نهادهای بین‌المللی آن را به رسمیت شناخته‌اند (اسرائیل) با گروه‌های تروریستی (فلسطینی‌ها) است.

۱۷- آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها پس از واکنش نیروهای مقاومت فلسطین به

جنایت‌های مکرر رژیم صهیونیستی در قالب عملیات طوفان الاقصی، چه

اقداماتی انجام دادند؟

آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تمام‌قد برای حمایت از نه‌تنها امنیت بلکه بیشتر از آن برای بقا و موجودیت رژیم صهیونیستی وارد عمل شده‌اند. علاوه بر سفرهای حمایتی در حد سران کشورهای غربی به سرزمین اشغالی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب نشان از وادادگی و واماندگی این رژیم در برابر حمله مقاومت بود، تصویب بودجه‌های نقدی و نظامی سنگین در حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برای حمایت ماشین جنگی صهیونیست‌ها، فرمانده سنتکام و به همراه فرماندهان این مرکز وارد اسرائیل شده و مدیریت جنگ را عملاً در اختیار گرفته‌اند. در حوزه رسانه و مظلوم‌نمایی از صهیونیست‌ها هم به شدت فعالند تا جای جلاد و شهید و ظالم و مظلوم را عوض کنند. چون دارند پایگاه‌شان در منطقه را از دست می‌دهند به شدت از رژیم صهیونیستی حمایت سیاسی، نظامی و اطلاعاتی می‌کنند. از طرفی به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها به دنبال ایجاد یک جبهه جدید هستند تا ایران را درگیر کنند. برای اینکه از این شکست عبور کنند، یک آتش تبلیغاتی دیگر روشن کنند تا بتوانند در این جنگ دستاوردی داشته باشند

(چ) ضرورت‌ها، دلایل و زمینه‌های عملیات طوفان الاقصی

۱۸- دلایل و زمینه‌های عملیات طوفان الاقصی چه بود و این عملیات چه

ضرورتی داشت؟

۱- بی‌حرمتی به مسجد الاقصی در پی انجام مناسک دینی؛ صهیونیست‌های راست‌گرای افراطی که بر سریر قدرت تکیه زده‌اند، در طول یک سال گذشته همواره به هم‌کیش‌های خود اجازه ورود به اماکن مقدس مسجد الاقصی برای انجام مناسک دینی و آیین‌های سنتی را داده‌اند. ورود صهیونیست‌ها به مسجد با درگیری و ضرب و شتم مسلمانان از ابتدای ماه سپتامبر همراه بود که درگیری‌های پراکنده، اما مستمر آنها را به دنبال داشت. در بیانیه محمد الضیف، رهبر گردان‌های شهید عزالدین قسام، تحت عنوان هتک حرمت و تجاوز به مسجد الاقصی به‌عنوان یکی از دلایل شروع این عملیات معرفی شده است.

۲- قدرت‌یابی جریان راست افراطی در کابینه نتانیاهاو؛ به قدرت رسیدن شخصیت‌های راست افراطی در کابینه بنیامین نتانیاهاو ضربه سختی به رژیم صهیونیستی وارد آورده است. مدیریت چندین وزارتخانه‌های مهم همچون وزارت امنیت داخلی، وزارت دارایی و وزارت دفاع را در اختیار دارند. ایتامار بن گویر (وزیر امنیت داخلی) و بزائل

اسموتریج (وزیر دارایی) در یک سال گذشته موضوعی به شدت ضد فلسطینی و ضد عرب اتخاذ کرده و به اقداماتی علیه فلسطینی‌ها و عرب‌های سال ۱۹۴۸ دست زدند؛ افزایش پاسگاه‌های غیرقانونی در کرانه باختری، افزایش نفوذ در منطقه ج کرانه باختری (کرانه باختری به سه منطقه الف، ب و ج تقسیم شده که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین قسمت آن منطقه ج است. در حال حاضر اکثر شهرک‌سازی‌ها رژیم صهیونیستی در منطقه ج است. گروه راست افراطی پس از به قدرت رسیدن، اقدام به اخراج فلسطینی‌ها از این منطقه کرده است.) و اخراج فلسطینی‌ها از این منطقه با هدف الحاق آن به سرزمین‌های اشغالی، تصویب و اجرای قوانین ضد فلسطینی در کرانه باختری، حمله به نابلس و جنین، ترور برخی از فرماندهان مقاومت فلسطینی از آن جمله به شمار می‌آیند؛ از این رو حمله حماس به رژیم صهیونیستی آن‌هم در ابعاد بسیار گسترده و بی‌سابقه در چنین بستری به‌عنوان واکنشی متناظر با چالش‌های پایان‌ناپذیر و بی‌محابای صهیونیست‌ها معنا و قابلیت تحلیل می‌یابد.

۳- خلف وعده‌های سابق رژیم صهیونیستی در تبادل اسرا؛ به نظر می‌رسد تبادل اسرا از دیگر موضوعات است که مورد توجه حماس بوده و مبنی بر گفته‌های محمد الضیف، رژیم صهیونیستی همکاری لازم برای تبادل اسرا را در توافقات گذشته انجام نداده است. در همین راستا می‌توان اقدامات جنبش حماس در به اسارت گرفتن شهرک‌نشین‌های صهیونیست را به افزایش توان چانه‌زنی خود در تبادل اسرا بیشتر از صهیونیست‌ها تعبیر کرد.

۴- تحول رویکرد گروه‌های جهادی فلسطین در راستای مقاومت فعال؛ فراتر از همه این دلایل باید به این نکته اشاره داشت که روندهای داخلی و منطقه‌ای دهه گذشته گروه‌های مقاومت را به این نتیجه رساند که تعیین سرنوشت فلسطین در گروه تغییر رویکرد مبارزه با رژیم صهیونیستی به راهبرد مقاومت فعال و ترکیبی است. در سال‌های گذشته از یک سو تجربه ناموفق مذاکرات سازش با رژیم صهیونیستی از سوی جناح‌های سازش‌کار، نادیده گرفتن آرمان قدس از سوی کشورهای عربی در فرآیند عادی‌سازی روابط با این رژیم، و از سوی دیگر افزایش توانمندی‌های راهبردی در طراحی و اجرای عملیات افندی و هیبریدی و همچنین پیوستن هسته‌های خاموشی از نسل‌های جدید فلسطین در کرانه باختری به گفتمان پایداری، منجر به تثبیت و تقویت گفتمان فعال در سپهر اندیشه‌ای رهبران مقاومت شد.

۵- روند تدریجی شکست فرسایشی رژیم صهیونیستی از عقب‌نشینی از لبنان در سال ۲۰۰۰ تا ناکامی‌های آن در ضربه به پیکره مقاومت در نبردهای سال ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱ این خودباوری را در میان گروه‌های جهادی و آزادی‌بخش فلسطین ایجاد کرد که افسانه ارتش شکست‌ناپذیر صهیونیستی، بیش از آنکه در واقعیت‌های میدانی ریشه داشته باشد، حاصل عملیات روانی و پروپاگاندا این رژیم بوده است. عملیات طوفان الاقصی به وضوح نشان‌دهنده تغییر رویکرد گروه‌های فلسطینی از تلاش برای ایجاد بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی به طراحی و پیشبرد یک نبرد پیش‌دستانه و غافلگیرانه است. با اینکه رژیم صهیونیستی در پاسخ به این اقدام

شگفتی ساز به تکرار جنایت های گذشته دست می زند؛ ولی اتخاذ واکنش مناسب در برابر پیروزی گفتمانی مقاومت در غلبه بر توهم شکست ناپذیری این رژیم به راحتی قابل انجام نیست. به بیان دیگر، فراتر از ضربه فراموش نشدنی نظامی و اطلاعاتی به تل آویو، آنچه در این نبرد به یک روند غیر قابل بازگشت و ترمیم ناپذیر تبدیل شده است، شکست هیمنه و تصویر پوشالی آن رژیم است.

۱۹- چرا حماس و گروه های مقاومت فلسطین، عملیات طوفان الاقصی را انجام

دادند تا اینکه اسرائیل غزه را به طور وحشیانه بمباران کند و انسان های

بی گناه بسیاری به شهادت برسند؟

برای پاسخ عالمانه و منصفانه به این سؤال و شبهه و تحلیل دقیق از این رخداد، نیازمند نگاه تاریخی و روندشناسی تاریخی این رویداد هستیم. اساساً طرح یک سؤال و پاسخ دقیق به آن درباره چگونگی شکل گیری رژیم صهیونیستی و تأسیس دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین، از چرایی بنیادی و تاریخی عملیات طوفان الاقصی، پرده برمی دارد. در واقع با بررسی چگونگی تأسیس رژیم صهیونیستی با پشتوانه قدرت های خارجی مثل انگلیس و پیشینه تاریخی ظلم و ستم به مردم فلسطین در طول ۷۵ سال تصرف سرزمین فلسطینیان از سوی رژیم صهیونیستی و آواره کردن، شکنجه و کشتار فلسطینیان و کوچاندن اجباری آنها از سرزمین شان، بهتر می توان دلیل اجرای عملیات

طوفان الاقصی را فهمید. در مدت ۷۵ سال از تأسیس رژیم صهیونیستی، همواره فلسطینیان در موضع دفاع در برابر اشغالگری بودند و همیشه در برابر تجاوزگری‌های آنها از خود دفاع می‌کردند. بنابراین این شبهه که فلسطینیان جنگ را آغاز کردند و اسرائیل از خودش دفاع می‌کند، به لحاظ ماهیت و پیشینه تاریخی تقابل و جنگ، گزاره و استدلال باطلی است. غزه از سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۵ نیز برای مدت ۳۸ سال تحت اشغال رژیم صهیونیستی قرار داشت. از سال ۲۰۰۵ که نظامیان اسرائیلی مجبور شدند از باریکه غزه خارج شوند و کنترل آن در اختیار جنبش حماس قرار گرفت، غزه بیش از همه شاهد محاصره و جنگ بود. از سال ۲۰۰۵ تاکنون رژیم صهیونیستی جنگ‌های مکرری نیز علیه غزه انجام داده است که از جمله می‌توان به نسل‌کشی پنج‌روزه فوریه ۲۰۰۸، جنگ ۲۲ روزه ۲۰۰۸، جنگ ۸ روزه ۲۰۱۲، جنگ ۵۱ روزه ۲۰۱۴ و جنگ ۱۲ روزه ۲۰۲۱ اشاره کرد. گفتنی است، در جنگ ۲۰۰۸ معروف به جنگ ۲۲ روزه فقط ۱۳ نفر از رژیم صهیونیستی کشته شدند؛ در حالی که از مردم غزه بیش از ۱۳۰۰ نفر شهید و ۵۳۰۰ نفر زخمی شدند و در جنگ ۲۰۱۴ معروف به جنگ ۵۱ روزه ۶۸ نفر از رژیم صهیونیستی کشته شدند؛ ولی در آن جنگ بیش از ۲۰۰۰ نفر از مردم مظلوم فلسطین به شهادت رسیدند.

تفاوت جنگ اخیر با پنج جنگ مهم گذشته در این است که در جنگ‌های گذشته رژیم صهیونیستی مهاجم بوده و فلسطینی‌ها مدافع بودند، اما جنگ اخیر با تهاجم بی‌سابقه حماس به اراضی اشغالی آغاز شد و رژیم صهیونیستی در واکنش به این اقدام،

حمله همه جانبه علیه غزه را آغاز کرد. اما نکته مهم این است که بر اساس شواهد، صهیونیست‌ها برای حمله دیگری به غزه خود را آماده کرده بودند و عملیات طوفان الاقصی به نوعی اقدام پیش‌دستانه با رویکرد دفاعی به حساب می‌آید.

ح) روند عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای اسلامی بعد از جنگ

۲۰- وضعیت روابط عربستان و اسرائیل بعد از جنگ غزه چگونه خواهد بود؟

نبرد طوفان الاقصی، یک نبرد دوجبهی است؛ از یک سو عمق و شدت آسیب‌پذیری رژیم صهیونیستی به‌ویژه در عرصه‌های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی را اثبات کرد. از سوی دیگر و با توجه به واکنش جنون‌آمیز رژیم صهیونیستی به این عملیات و کشتار بی‌رویه غیرنظامیان و نسل‌کشی در غزه، بیشتر از گذشته ماهیت و هویت واقعی این رژیم را افشا کرد. لذا طبیعی است که بعد از پایان جنگ، شاهد برخی تغییرات در سیاست خارجی کشورهای عربی، از جمله عربستان در قبال اسرائیل باشیم. ریاض در حالی پرونده عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را دنبال می‌کند که هنوز عملیات طوفان الاقصی و نسل‌کشی صهیونیست‌ها در غزه آغاز نشده بود. در واقع، این پرونده در یک وضعیت آرام دنبال می‌شود؛ اما طوفان الاقصی تمام معادلات مربوط به عادی‌سازی را به هم زد. تصویری که امروز از اسرائیل دیده می‌شود، برخلاف آنچه قبلاً نشان داده می‌شد، تصویر یک اسرائیل ضعیف شده، به شدت آسیب‌پذیر، غیرقابل اعتماد و بی‌اعتنا به جان انسان‌ها و هنجارهای اولیه بین‌المللی و حقوقی است. این تصویر و موجودیت ضعیف شده هم‌اکنون در مقابل عربستان و برخی کشورهای

عربی است که از عادی سازی روابط با تل آویو به دنبال ارتقای سطح امنیت ملی و رونق و شکوفایی تجارت خارجی خود بودند. همچنین عربستان و سایر کشورهای عربی که در نوبت اعلام عادی سازی روابط بودند، به دلیل وحشی گری ها و جنایات جنگی صهیونیست ها به شدت از سوی افکار عمومی مردم منطقه و مسلمانان و اعراب تحت فشار قرار دارند و برای حفظ ظاهر هم که شده نمی توانند تا مدت ها از این عادی سازی سخن به میان آورند. بنابراین، در حال حاضر همان طور که در مواضع سعودی ها هم دیده می شود، ریاض تصمیم گرفته است نگاه واقع بینانه ای به روابط با تل آویو داشته باشد. لذا فعلاً تمام مذاکرات مربوط به عادی سازی را متوقف کرده و احتمالاً در آینده هم به یک مناسبات حداقلی و پنهان با اسرائیل اکتفا خواهد کرد.

۲۱- چرا همه دولت های اسلامی عرب از عملیات طوفان الاقصی حمایت

نکردند؟

ابتدا باید تأکید کرد، اکثر دولت های اسلامی و عربی در منطقه و خارج از منطقه ضمن حمایت از نبرد گروه های مقاومت فلسطینی، جنایات رژیم صهیونیستی در غزه را محکوم کردند. اما اینکه برخی از دولت های عربی از این نبرد و عملیات حماس حمایت صریح و شایسته نکردند، دو علت کلی دارد؛ اولاً برخی دولت های عربی که تعداد مشخصی هستند با رژیم صهیونیستی رابطه دارند، لذا مناسبات و تعاملات با رژیم

صهیونیستی اجازه نمی‌دهد که اینها در مقابل اسرائیل بایستند. بنابراین تنها به اتخاذ مواضع نرم و خنثی به طوری که به اصطلاح «نه سیخ بسوزد، نه کباب» بسنده می‌کنند. ضمن اینکه در سطح عالی، سیاست خارجی این کشورها تابعی از سیاست خارجی آمریکاست، بنابراین اختیار این را که به صورت مستقل و بدون نظر آمریکا رفتار کنند، ندارند. ثانیاً، برخی از این دولت‌ها به خاطر اینکه حماس پیشگام اصلی عملیات طوفان الاقصی است و از رویکردهای اخوانی برخوردار است، بنا به اختلافاتی که با حماس دارند، نه تنها از این عملیات حمایت نکردند؛ بلکه گزارش‌هایی وجود دارد که کشوری، مانند امارات از رژیم صهیونیستی حمایت کرده است.

۲۲- روابط تهران - ریاض با توجه به تحولات جاری در فلسطین چگونه قابل

ارزیابی است؟

عملیات طوفان الاقصی تأثیر مستقیمی در برهم زدن یا حداقل به تعویق انداختن برنامه عادی سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی تلقی می‌شود. این مسئله می‌تواند در حوزه روابط ایران و عربستان نیز تأثیر بسزایی داشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد رابطه معناداری بین روند جنگ غزه و حمله گسترده یا محدود رژیم به نوار غزه و میزان مقاومت فلسطین در برابر رژیم با روابط ایران و دوستان در آینده خواهد داشت. چرا

که عادی سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی موجب عادی سازی رژیم با دومینوی سایر ملل عرب شده و این امر می تواند میان ایران و کشورهای عربی فاصله بیندازد. از طرفی عربستان سعودی نیز با امضای قراردادهایی با چین و روسیه، تغییر استراتژی داده و به سمت چند جانبه گرایی روی آورده است تا بتواند تضمین های امنیتی را از شرکای مختلف به دست آورد و از آنجایی که روابط نزدیک بین ایران و بلوک شرق به ویژه روسیه و چین وجود دارد، این سیاست می تواند نقطه اتکای خوبی برای ایجاد مانع در برابر عنصر بازیگری رژیم صهیونیستی در این روابط قلمداد شود.

در کل روابط ایران و عربستان به صورت کامل از سرگیری نشده است و این امر مستلزم ادامه همکاری های دو کشور برای رسیدن به یک اتحاد اسلامی است. روابط تهران - ریاض بعد از عملیات طوفان الاقصی و شکست هیمنه رژیم صهیونیستی موجب می شود تا جمهوری اسلامی ایران در معادله قدرت یا همان نقش قدرت های بزرگ قرار گیرد که این مسئله رقابت ژئوپلیتیکی ایران و عربستان را تشدید خواهد کرد. از طرفی در مسئله فلسطین، نوعی همگرایی سیاسی تاکنون بین دو کشور ایجاد شده است. همچنین عربستان از جایگاه جمهوری اسلامی ایران و توان و کنشگری مقاومت به خوبی آگاه است، لذا با دید واقع گرایانه روابط خود را با تهران ادامه خواهد داد.

۲۳- دلیل اتحاد نداشتن جهان اسلام علیه رژیم صهیونیستی چیست؟

اینکه چرا جهان اسلام در قبال مسئله فلسطین، واحد عمل نمی‌کند و به‌نوعی در قبال مهم‌ترین مسئله اسلامی و دینی دچار اختلاف نظر است، متأثر از دودسته عوامل درون منطقه‌ای و بین‌المللی است. درباره عوامل درون منطقه‌ای، با توجه به سیاستی که رژیم صهیونیستی در قبال فلسطین و حامیان آن دارد، حمایت از فلسطین به یک مسئله هزینه‌بر در منطقه تبدیل شده است. به این معنا که حمایت از فلسطین هزینه دارد. بنابراین، برخی دولت‌های عربی و اسلامی که هر یک برای خود چشم‌اندازهای مهم اقتصادی تعریف کرده و به دنبال مرجعیت اقتصادی و سیاسی در منطقه هستند، خیلی دنبال تنش با اسرائیل بر سر مسئله فلسطین نبوده و در خوش‌بینانه‌ترین حالت خود را از مسئله فلسطین جدا کرده و تنها به بیانیه‌های خنثی و بی‌اثر آنها در مواقع اضطرار بسنده می‌کنند. در رابطه با عوامل بین‌المللی باید به تأثیرپذیری سیاست خارجی برخی کشورهای عربی از آمریکا و اروپا پرداخت که اجازه نمی‌دهند در درون جهان اسلامی صدای واحدی در قبال فلسطین بلند شود که این مسئله حتی در عملیات اخیر طوفان الاقصی هم کاملاً مشهود بوده است و از باب مثال، باگذشت بیش از سه هفته از عملیات طوفان الاقصی هنوز صدایی از بحرین یا امارات و کویت بلند نشده است.

خ) آثار و پیامدهای داخلی و منطقه‌ای عملیات طوفان الاقصی برای رژیم صهیونیستی

۲۴- عملیات طوفان الاقصی چه آثار و پیامدهای داخلی برای رژیم صهیونیستی

داشته است؟

۱- نهادینه شدن فضای ناامنی در سراسر سرزمین‌های اشغالی؛ امنیت شهرهای جنوبی سرزمین‌های اشغال شده توسط رژیم صهیونیستی که برای مدت‌ها ساکنان آن در امنیتی نسبی سکنی داشتند با حمله زمینی نیروهای مقاومت به کلی از بین رفت و تصرف برخی از مناطق این رژیم موجب تسری فضای ناامنی در سراسر سرزمین‌های اشغالی شد. ناتوانی رژیم صهیونیستی در مقابله و مهار حملات حماس به سرزمین‌های اشغالی، نشان از ناکارآمدی این رژیم در تأمین امنیت عمومی و موجب افزایش نارضایتی‌های صهیونیست‌های مستقر در سرزمین‌های اشغالی شده است. این امر به نوبه خود شکست بزرگی برای رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود.

۲- مهاجرت معکوس یهودیان؛ عملیات طوفان الاقصی بسیاری از یهودیان مهاجر به سرزمین‌های اشغالی را به تجدیدنظر واداشته و موجبات فرار بسیاری از آنها و حتی مقامات رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های اشغالی را فراهم آورده است. موج بازگشت

صهیونیست‌ها به کشورهای اصلی خود یکی از اهداف محور مقاومت بوده که این عملیات به شکل چشم‌گیری زمینه‌های آن را مهیا کرده است.

۳- آسیب جدی به اقتصاد رژیم صهیونیستی و کاهش تولید ناخالص داخلی در پی این عملیات در سرزمین‌های اشغالی رخ داد.

۲۵- عملیات طوفان الاقصی چه آثار و پیامدهای خارجی برای رژیم

صهیونیستی داشته است؟

۱- بسیج اجتماعی کشورهای منطقه علیه رژیم صهیونیستی؛ انتشار فیلم‌های کوتاه متعدد از مردم برخی از کشورهای منطقه که به‌نوعی حمایت خود از عملیات مزبور را بیان داشتند، نشان از همراهی افکار عمومی مردم منطقه با مقاومت و مخالفت آنها با رژیم صهیونیستی دارد. این در حالی است که طی چند سال اخیر برخی از رسانه‌های غربی در پی وارونه جلوه دادن حقیقت با طرح ادعای تمایل مردم منطقه برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بوده‌اند.

۲- ایجاد وقفه در روند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی؛ برقراری روابط کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی و گسترش همکاری آنها با رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر یکی از مأموریت‌های مهم سیاست خارجی این رژیم بوده که در چارچوب توافقات آبراهام دنبال شده است. در صورتی که عملیات

طوفان الاقصی نه تنها در گام نخست هیمنه نظامی رژیم صهیونیستی را چنان درهم شکست که کشورهایی را که دل در گرو تأمین امنیت خود با حمایت نظامی - اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بسته بودند، به تردید واداشت، بلکه با گسترده سازی درگیری ها موجی از حساسیت و ضدیت با صهیونیست ها را در افکار عمومی مسلمانان جهان برانگیخته است.

د) راهبرد ایران و آمریکا

در تحولات غزه

۲۶- راهبرد آمریکا مبنی بر حضور در جنگ غزه چیست؟

به طور کلی آمریکایی‌ها به دو دلیل در جنگ غزه حضور دارند: بازگردان اعتماد به نفس رژیم صهیونیستی پس از عملیات طوفان الاقصی: عملیات پیش‌دستانه مقاومت فلسطین علیه رژیم صهیونیستی در ۷۵ سال اخیر بی‌نظیر بوده و موجب شکست هیمنه رژیم صهیونیستی شد؛ لذا غربی‌ها به ویژه آمریکا با حضور مستقیم بالاترین مقامات خود در سرزمین‌های اشغالی به دنبال بازگرداندن روحیه صهیونیست‌ها هستند که پس از عملیات طوفان الاقصی بسیار شکننده شده است.

ممانعت از اقدامات غافلگیرانه رژیم صهیونیستی (هزینه‌سازی برای آمریکا): از کابینه افراطی رژیم صهیونیستی تصور هر اقدامی وجود دارد؛ به همین

دلیل آمریکا فرماندهی مستقیم عملیات‌های رژیم صهیونیستی را برعهده گرفته است. از طرفی رژیم صهیونیستی معتقد است آمریکا پس از خروج از منطقه حمایت‌های لازم را از این رژیم نکرده است و باید در این شرایط بحرانی جبران کند؛ بنابراین رژیم صهیونیستی و آمریکا به صورت مشترک پروژه جنگ اخیر غزه را مدیریت می‌کنند.

ملاحظه بعدی اینکه آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان مخدوش‌کننده و مختل‌کننده در سیستم‌های امنیتی آمریکا می‌داند و پس از عملیات اخیر طوفان الاقصی نگران تشکیل ائتلاف‌هایی با بازی بین ایران، روسیه و چین است؛ چراکه دشمنی آمریکا با ایران در سطح راهبردی همیشگی بوده است. کل جریان جنگ غزه به ضرر آمریکایی‌ها به ویژه شخص بایدن است و اگر جنگ غزه با حضور محور مقاومت، گسترش یابد و طولانی‌تر شود، آمریکا به صورت خصوصی به رژیم برای توقف جنگ فشار خواهند آورد؛ چراکه گسترش و فرسایشی شدن جنگ به ضرر آنها خواهد بود.

از طرفی موضوع انتخابات آمریکا، سیاست‌های ایالات متحده در غرب آسیا را نیز متأثر از خود کرده و یکی از دلایل حمایت‌های گسترده بایدن از صهیونیست‌ها در جنگ غزه نیز بی‌تأثیر از این موضوع نبوده است. همچنین، با توجه به خشم مردم آمریکا به ویژه مسلمانان آن از اقدامات حمایتی آمریکا، به نظر می‌رسد بایدن رأی مسلمانان آمریکایی را از دست داده است. در نگاه دیگر حساسیت آمریکایی‌ها به ویژه در سال انتخاباتی به قیمت جهانی نفت که تأثیر مستقیم بر پمپ‌بنزین‌ها می‌گذارد، بسیار بالاست. در این زمینه «بلومبرگ» تحلیل و پیش‌بینی کرده است، در صورت ورود ایران

به جنگ غزه قیمت جهانی نفت تا مرز ۱۵۰ دلار افزایش خواهد یافت که این امر نیز می‌تواند یکی دیگر از دلایل نگرانی آمریکا از گسترده شدن جنگ غزه شود.

بایدن در نظر داشت در پایان سال انتخاباتی خویش یک موفقیت راهبردی دیپلماتیک (عادی‌سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی) را به عنوان پیامدهای تبلیغاتی بهره‌برداری کند که با عملیات طوفان الاقصی این هدف از بین رفت. لذا آمریکا با ارائه امتیازاتی به کشورهای عربی، سعی در همکاری‌های مخفیانه این کشورها با سیاست‌های آمریکا در خصوص نبرد غزه داشته است و رهگیری برخی از موشک‌های انصارالله از سوی سعودی‌ها نیز در همین راستا انجام گرفته است.

همه موارد فوق نشان می‌دهد، راهبرد آمریکا مبنی بر حضور در جنگ اخیر غزه با اعزام امکانات، نیرو و تجهیزات در راستای حمایت از این رژیم و به یک نوعی تنفس مصنوعی به آن است تا وضعیت شکننده داخل سرزمین‌های اشغالی را ترمیم کنند.

۲۷- آیا حملات اخیر جبهه مقاومت فلسطین را ایران طراحی کرده است؟

این کشور در عملیات حماس علیه رژیم صهیونیستی دخالتی نداشته است و نقش و دخالت جمهوری اسلامی ایران به سخنان تندروهای آمریکایی برمی‌گردد؛ «جان بولتون» مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا، در حساب ایکس خود نوشت: «پرسش حیاتی این است که آیا حماس حمله وحشیانه به اسرائیل را با تصمیم خود انجام داده یا با

دستور ملاءهای تهران؟ شواهد ساعت به ساعت مشخص تر می کند که ایران حمله کننده واقعی به اسرائیل است.»

بنابراین دشمنان مردم فلسطین تلاش دارند که این جنگ را یک جنگ ایرانی-اسرائیلی نشان دهند، به سه دلیل زیر:

اول: آنها (صهیونیست‌ها) تلاش می کنند، شکست خود را توجیه کنند و آن را به قدرت اطلاعاتی و برنامه ریزی عملیاتی ایران نسبت دهند. برای شان بسیار سخت است که در جامعه اطلاعاتی نقل شود که از یک گروه فلسطینی شکست خوردند.

دوم: ایجاد اختلاف و دو دستگی بین مردم و نیروهای مقاومت فلسطین؛ هدف دوم است؛ زیرا تأکید و تبلیغ این مسئله باعث می شود روحیه نیروهای فلسطینی و مردم فلسطین متزلزل شود؛ آنها به دنبال این گزاره هم هستند که طوری فضا سازی کنند که مردم غزه به خاطر اهداف بلند پروازانه جمهوری اسلامی کشته می شوند!

سوم: با این سناریو، خوراک لازم برای اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی در داخل کشور هم فراهم می شود و همچنان شعار «نه غزه نه لبنان» آنها برجسته سازی می شود که در عرصه بین الملل روی آن موج رسانه ای ایجاد کنند.

۲۸- آیا آمریکا و غرب به طور مستقیم در جنگ اسرائیل و غزه دخالت

می کنند؟

جامعه جهانی پذیرفته است که اسرائیل در همان روز اول جنگ به طور کامل از صفحه روزگار محو شد و حضور بایدن، رئیس جمهور آمریکا در رژیم اشغالگر و گفتن این جمله که «اگر اسرائیل نبود، باید اسرائیلی دیگر می ساختیم!» حکایت از آن دارد که آمریکا در حال ساختن اسرائیل دیگری است؛ طبعاً برای احیای این موجود نابود شده فعالیت های رسانه ای، سیاسی، اطلاعاتی و نظامی گسترده ای دنبال می شود.

نیروهای عملیات ویژه آمریکا از همان روزهای اول علاوه بر کمک های اطلاعاتی اقدام به انتقال و جابه جایی حجم انبوهی از تفنگداران، کشتی های جنگی، هواپیماها، بمب ها و سایر تسلیحات نظامی به منطقه کرده اند. افزون بر موارد فوق «جیمز گلین»، افسر سه ستاره تفنگداران دریایی آمریکا که سابقه ارتباط با داعش در عراق را دارد، به سرزمین های اشغالی اعزام شده است. جیمز گلین یکی از ۱۴۵ افسر نظامی سه ستاره آمریکاست. در میان تفنگداران دریایی ایالات متحده تنها ۱۶ نفر به عنوان افسر سه ستاره در حال خدمت هستند.

برخی از تجهیزات منتقل شده آمریکا بر اساس منابع رسانه ای عبارتند از:

- حضور فرماندهی و کلیه نیروهای سنتکام آمریکا در تل آویو؛
- تأمین مهمات مورد نیاز برای سامانه دفاع هوایی اسرائیل معروف به «گنبد آهنین»؛
- اعزام ناو «یواس اس جرالده فورده» به منطقه به همراه حدود پنج هزار خدمه؛ «یواس اس جرالده فورده» در این حالت در عمل به مرکز اصلی فرماندهی و کنترل عملیات ها تبدیل خواهد شد.

- اعزام هواپیماهای «نورثروپ گرومن یی -۲ هاوکی» که هم می‌توانند تحرکات نیروهای مقاومت را شناسایی کنند و هم می‌توانند به مدیریت نیروهای آمریکایی کمک کنند.
- اعزام جنگنده‌های «اف ۱۸»؛ این جنگنده‌ها قادر به رهگیری در هوا و حمله به مواضع مردم فلسطین بر روی زمین هستند.
- ارسال هواپیماهای نظامی «سی ۱۷» شمار زیادی از نظامیان آمریکایی را به همراه خود به منطقه منتقل کرده‌اند.
- ارسال حجم انبوهی از بمب‌های مهیب، مانند بمب مارک ۸۴ (Mark ۸۴)، یک بمب سقوط آزاد چندمنظوره ساخت آمریکاست که حدود یک تن وزن داشته و قدرت تخریب بسیار بالایی دارد.

۲۹- چرا آمریکا در رسانه به حضور نداشتن ایران در جنگ غزه اذعان دارد؟

آمریکا و برخی از رسانه‌های‌شان در عملیات طوفان الاقصی به شدت دخالت ایران را برای اولین بار در یک عملیات نظامی علیه اهداف‌شان به طور کامل رد کرده‌اند و این می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد.

- **نقش رویدادی:** آمریکایی‌ها از لحاظ رویدادی معتقدند ایران در این عملیات نقشی نداشته است؛ آنها بر مبنای داده‌های حقیقی و شواهد عینی این برآورد را داشته‌اند که ایران هیچ‌گونه دخالتی در عملیات طوفان الاقصی ندارد. به همین دلیل «جان کربی» هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای

امنیت ملی کاخ سفید^۱ اعلام کرد: «هنوز اطلاعات یا شواهدی نداریم که نشان دهد که ایران با این حملات ارتباط مستقیم داشته است.» آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا نیز همان روز گفت: «مدرکی دال بر مشارکت ایران در حمله حماس نداریم.»

• **نقش فرآیندی:** آمریکایی‌ها به لحاظ فرآیندی و بلندمدت معتقدند نقش ایران در این عملیات بسیار برجسته است؛ آنها حماس را تربیت کرده و تسلیح کرده‌اند؛ روزنامه آمریکایی «واشنگتن پست»^۲ درباره نقش فرآیندی ایران در حمله به اسرائیل این گونه سخن مقامات‌شان را تشریح می‌کند: «مقامات گفتند در حالی که نقش دقیق ایران در حملات روز شنبه نامشخص است، اما این حمله منعکس کننده اهداف بلندپروازانه چندین ساله تهران برای محاصره اسرائیل با ارتشی از جنگجویان شبه نظامی مجهز به سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته است که قادر به حمله به عمق اسرائیل هستند.»

• **احساس ترس از قدرت ایران:** یکی دیگر از دلایل انکار نقش ایران به موضوع مرعوب بودن آمریکا نسبت به اقتدار ایران برمی‌گردد و همین موضوع باعث عصبانیت صهیونیست‌ها شده است؛ به گونه‌ای که روزنامه صهیونیستی «تایمز اسرائیل» نوشت: «مقامات غربی خود را به خواب زده یا از سوی ایران

^۱- ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳ و ۲۰ مهرماه

^۲- ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳ و ۱۸ مهرماه

جادو شده‌اند و گر نه می‌دانند که پشت‌صحنه حماس، ایران قرار دارد؛ زمانی که حماس به اسرائیل حمله کرد، واشنگتن سراسیمه در نقش وکیل مدافع ملاحای ایران هم ظاهر شد و سخنگویان بخش‌های مختلف هیئت حاکمه آمریکا خیلی زود و قبل از هرگونه تفحص مدعی شدند ردپایی از تلاش جمهوری اسلامی ایران برای تحریک حماس به حمله به اسرائیل پیدا نکرده‌اند! جامعه غربی و به‌خصوص ابرقدرتی به‌نام آمریکا طی چند سال اخیر به‌گونه‌ای مرعوبانه با جمهوری اسلامی رفتار کرده که خیلی‌ها به مزاح می‌گویند شاید این ملاحای حاکم در ایران هستند که دارند سران کاخ سفید را کنترل می‌کنند!

• **پرداخت برای آزادی:** دولت آمریکا چند ماه قبل با وجود هشدارهای اپوزیسیون ایران، مبلغ عظیمی باج برای آزادی چند زندانی آمریکایی-ایرانی به جمهوری اسلامی پرداخت.^۳

• **اعلام حمایت ایران:** البته جمهوری اسلامی ایران از عملیات موفق برادران مقاومت تجلیل باشکوه کردند و رهبر معظم انقلاب در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح در یک موضع‌گیری مهم فرمودند: «این کار، کار خود فلسطینی‌هاست و ما پیشانی و بازوی طراحان مدبر و هوشمند و جوانان فلسطینی را می‌بوسیم».^۴ این سخنان به معنای

^۳ -<https://www.mashregnews.ir/news/1540479>

^۴ - بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح ۱۴۰۲/۷/۱۸

آن است که هرچند طراحان مدبر و هوشمند فلسطینی این عملیات را به انجام رسانده‌اند؛ اما جمهوری اسلامی کار آنها را می‌ستاید و در عرصه‌های بین‌المللی از آنها حمایت می‌کند.

ذ) آینده جنگ

و سناریوهای احتمالی پیش روی

۳۰- آینده جنگ رژیم صهیونیستی و حماس چه خواهد بود و این نبرد چه

تأثیری بر آینده این رژیم دارد؟

جنگ امروز در غزه جنگ حق و باطل است. برحسب این گزاره و باتوجه به بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر پیروزی فلسطین در این جنگ، می‌توان گفت آینده جنگ به نفع مقاومت فلسطین خواهد بود و تحولات میدانی نیز این را به وضوح نشان داده است. البته رژیم صهیونیستی نیز در این جنگ شکست سنگینی خواهد خورد و نتایج آن برای این رژیم موارد ذیل است:

- **عرصه سیاسی:** بعد از جنگ این رژیم مطمئناً در عرصه سیاسی دچار چالش‌های جدی خواهد شد. این چالش‌ها یکی در بحث بی‌کفایتی نتانیاهاو به ویژه در بحث عملیات طوفان الاقصی است و دیگری در بحث اسرا و شروع

اعتراض‌های دوباره علیه نتانیاهو به دلیل عدم کفایت، اصلاحات قضایی و اسرا خواهد بود. همین عاملی در جهت فشار احزاب چپ علیه نتانیاهو در جهت استعفا و انتخابات پارلمانی خواهد بود که این امر در طول چند سال اخیر در این رژیم مسبوق به سابقه است.

• **عرصه نظامی:** عملیات طوفان الاقصی هیمنه پوشالی نظامی-امنیتی این رژیم را درهم شکست و همین به منزله یک عامل افول در بحث رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود؛ زیرا این رژیم یک پادگان به شمار می‌آید که افول نظامی - امنیتی آن به منزله فروپاشی آن در آینده خواهد بود.

• **عرصه اجتماعی:** در این عرصه نیز رژیم صهیونیستی دچار چالش‌های جدی خواهد شد و از هم اکنون یک دوقطبی موافق-مخالف بین شهرک‌نشینان در بحث ادامه یا توقف جنگ به وجود آمده است. این بحث بعد از جنگ نیز تشدید خواهد شد و دوقطبی‌ها در عرصه اجتماعی نیز ادامه خواهد یافت.

• **عرصه اقتصادی:** ارزش پول رژیم صهیونیستی پس از عملیات طوفان الاقصی، بیش از سه برابر کاهش یافته است و خسارت‌های این جنگ برای صهیونیست‌ها بیش از ۲۰ میلیارد دلار بوده که فقط روز ابتدایی عملیات طوفان الاقصی نزدیک به ۸ میلیارد دلار به صهیونیست‌ها خسارت زد. بسیاری از شرکت‌های اقتصادی خارجی به دلیل اعتراض‌های هفتگی و قبل از عملیات طوفان الاقصی مترصد خروج از سرزمین‌های اشغالی بودند و امروزه آمار خروج

شرکت‌ها بسیار بیشتر از هفته‌های اخیر است. این خروج سرمایه در کنار مهاجرت معکوس به تشدید مشکلات اقتصادی این رژیم در آینده منجر خواهد شد.

در مجموع می‌توان گفت، عملیات طوفان الاقصی و جنگ اخیر مقدمات فروپاشی و نابودی کامل این رژیم را سرعت بخشید و آینده این موجودیت جعلی با اما و اگرهای زیادی مواجه شده است و عملیات طوفان الاقصی مقدمه نابودی این رژیم است.

۳۱- عملیات طوفان الاقصی چه تأثیری در روند پیروزی مقاومت ایجاد می‌کند؟

عملیات طوفان الاقصی از دو منظر، حامل تأثیرات راهبردی به نفع مقاومت فلسطین و البته جریان کلی محور مقاومت در منطقه است. اولاً، این عملیات تا حد زیادی تصویری بازنده و شکست خورده از رژیم اشغالگر قدس پیش چشم افکار عمومی منطقه و جهان قرار داد. در واقع، این عملیات نشان داد اسطوره‌سازی‌های صهیونیست‌ها از خود در جبهه‌های مختلف توهمی بیش نیست و می‌توان به رژیم اشغالگر قدس با برنامه‌ریزی و کار دقیق و هدفمند، ضربات سنگین و راهبردی وارد کرد. از این رو، این عملیات، هیمنه متصور سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی و راهبردی رژیم اشغالگر قدس در برتری را که همواره برای خود در رابطه با ملت‌های منطقه قائل بوده، زیر سؤال برده

است و گزاره شکست رژیم صهیونیستی را به یک گزاره کاملاً در دسترس برای ملت‌های مسلمان تبدیل کرده است. درست به همین دلیل است که بسیاری معتقدند رژیم صهیونیستی به دوره زمانی قبل از عملیات طوفان الاقصی باز نخواهد گشت و به بیان ساده‌تر، اسرائیل سابق نمی‌شود. دوم اینکه عملیات طوفان الاقصی از ظرفیت‌های فراوانی برای تغییر معادلات ژئوپلیتیکی در سطح منطقه غرب آسیا برخوردار است. گزاره‌ای که در نوع خود می‌تواند دست ایران و محور مقاومت را در سطح منطقه به نحو قابل توجهی تقویت کند و در جبهه مقابل، روند اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه غرب آسیا را تسریع و اشراف و نظارت محور مقاومت بر رژیم اشغالگر قدس را نیز تا حد زیادی افزایش دهد. اهمیت این دو مسئله زمانی بیش از پیش آشکار می‌شود که توجه داشته باشیم عملیات طوفان الاقصی و مقاومت جانانه فلسطینی‌ها در برابر حملات رژیم اشغالگر قدس به نوار غزه، موجی از خروش ملت‌های منطقه و جهان در حمایت از مقاومت فلسطین را نیز برانگیخته و عملاً در دو حوزه میدانی و تبلیغاتی - روانی، توپ را به زمین رژیم صهیونیستی انداخته است؛ از این رو عملیات طوفان الاقصی و تحولات پس از آن، وضعیت مقاومت فلسطین و محور مقاومت در منطقه را تقویت کرده و اهرم‌های جدیدی در دسترس آنها قرار داده است. رژیم صهیونیستی چه در رابطه با فلسطینی‌ها، چه در معادله کلی منطقه و چه در سطح کلان بین‌المللی، تصویر خود را مخدوش و شکست خورده می‌بیند. از طرفی عملیات طوفان الاقصی حیات سیاسی دولت افراطی نتانیاها را به خطر انداخته است و چالش‌های سیاسی این

رژیم را گسترده تر خواهد کرد. برگزاری اعتراضات گسترده در عمق اراضی اشغالی علیه آنها و بی کفایتی شان در مواجهه با مقاومت فلسطین، تنها یک نمود این موضوع است. جدای از همه اینها، در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی نیز با وجود پوشش گسترده رسانه‌ای جهان غرب در حمایت از صهیونیست‌ها، شاهد رخداد تحولات بی سابقه در حمایت از ملت فلسطین از سوی افکار عمومی جهان در قالب برگزاری راهپیمایی‌های عظیم در قلب کشورهای غربی و منطقه غرب آسیا هستیم. البته عملیات طوفان الاقصی و تحولات پس از آن، روند مهاجرت معکوس از اراضی اشغالی را نیز گسترش بخشیده است و در بعد اقتصادی و بر اساس آنچه خود صهیونیست‌ها اعلام کرده‌اند، روزانه بیش از ۲۵۰ میلیون دلار خسارت به اقتصاد رژیم صهیونیستی وارد می‌کند. در این شرایط، کلیت معادلات چه از حیث منطقه‌ای و چه بین‌المللی، حاکی از تسهیل و تسریع روند پیروزی نهایی جریان مقاومت در منطقه و فلسطین بر رژیم اشغالگر قدس است.

۳۲- آیا ایران به طور مستقیم وارد این جنگ خواهد شد؟

بر همگان روشن است که ایران حامی اصلی فلسطین و گروه‌های مقاومت در منطقه است و حمایت‌های گوناگونی را نیز از این گروه‌ها انجام می‌دهد. این سؤال که آیا ایران به طور مستقیم وارد جنگ خواهد شد یا خیر، به این مسئله باز می‌گردد که دشمنان

و جبهه استکبار به خوبی می‌دانند هر نوع ورود ایران به این جنگ منجر به خسارت‌های فراوان به آمریکا و رژیم صهیونیستی خواهد شد. همین موضوع تا حد امکان پیام‌های تنش‌زدایی ارسال می‌کنند. به گونه‌ای که آمریکایی‌ها همان روزهای اول بعد از عملیات طوفان الاقصی اعلام کردند، اثری از نقش ایران در این عملیات وجود ندارد. این نشان می‌دهد هر نوع ورود ایران به این جنگ مصداق شکست سنگین و خسارت بار این رژیم خواهد بود. از سوی دیگر لزومی به ورود ایران به این مسئله نیست و گروه‌های مقاومت منطقه‌ای و افراد آزاده جهان خود با این رژیم مقابله خواهند کرد و سطح اقدامات جمهوری اسلامی ایران نیز بر مبنای همین حمایت‌های مهم منطقه‌ای در عرصه‌های مختلف و به ویژه دیپلماسی سیاسی از مسئله فلسطین است که حضور وزیر خارجه در سازمان ملل و سفرهای منطقه‌ای آن نمونه کاملی از این حمایت‌هاست.

۳۳- احتمال حمله مستقیم رژیم صهیونیستی به ایران در وضعیت فعلی چقدر

است؟

در نظام بین‌الملل کنونی که ماهیت آنارشیک دارد و کشورها به ویژه کشورهای تجدیدنظرطلب و انقلابی، مانند جمهوری اسلامی ایران همیشه در معرض تهدید هستند، برخورداری از آمادگی در هر سطحی و افزایش توان دفاعی - نظامی و قدرت بازدارندگی بسیار حائز اهمیت است.

اما اینکه آیا در شرایط فعلی حمله رژیم صهیونیستی چه قدر است، باید گفت این احتمال وجود ندارد. اولاً، رژیم صهیونیستی فعلاً در مقابل حملات و ضرباتی که یک گروه کوچک مقاومت در فلسطین وارد کرده است، نمی‌تواند بایستد و به نوعی تمام ساختارهای سیاسی، نظامی و امنیتی آن به چالش کشیده شده است، بنابراین هرگونه ابتکار عمل برای آغاز جنگ دیگری علیه ایران از آن سلب شده است. ثانیاً، جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با گروه‌های مقاومت اسلامی، حریف قدرتمندی برای رژیم صهیونیستی است، به طوری که در هرگونه درگیری می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به این رژیم وارد کند؛ این همان مسئله‌ای است که صهیونیست‌ها هم به خوبی از آن آگاه هستند، لذا در شرایط فعلی تمام تلاش‌شان را بر آن گذاشته‌اند که پای آمریکا را به درگیری باز کرده و این کشور را وارد جنگ نظامی با ایران کنند. در این زمینه نیز بسیار بعید است که آمریکا وارد چنین فضایی شود؛ چراکه در سیاست‌های آمریکا، روسیه و چین و مقابله با این دو کشور از اولویت بالاتری برخوردار هستند.

۳۴ - کمک‌های تسلیحاتی کشورهای مسلمان منطقه، به ویژه ایران به مقاومت

فلسطین را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ارسال تسلیحات از سوی ایران به مقاومت فلسطین در قالب حمایت از مظلومان در برابر ستمگران، به منزله یک وظیفه دینی و اخلاقی، سال‌هاست که در دستور کار جمهوری

اسلامی ایران بوده و هست. با این حال، چالش اصلی این است که برخی دولت‌های منطقه اساساً مسئله فلسطین را به یک موضوع سیاسی برای خود تبدیل کرده‌اند. برای نمونه، عربستان سعودی، حماس و مقاومت فلسطین را اهرم‌های ایران در معادله فلسطین می‌بیند و در این رابطه، تقویت این جریان‌ها را به ضرر خود ارزیابی می‌کند. «رجب طیب اردوغان» در ترکیه نیز نشان داده است، از منظری عملگرایانه به معادله فلسطین می‌نگرد و زمانی اظهارنظرهای پوپولیستی و به ظاهر مثبت را در دفاع از ملت فلسطین بیان می‌کند و زمانی نیز با مقامات ارشد صهیونیست دیدار می‌کند و روابط کشورش با این رژیم را به ویژه در حوزه تجاری توسعه می‌بخشد. در این فضا، در پشتِ صحنه لفاظی‌های برخی دولت‌های منطقه در حمایت از ملت فلسطین، نه اراده جدی در حمایت از این ملت، بلکه فشارهای افکار عمومی و تلاش آنها جهت کسب دستاورد برای خود در بحبوحه جنگ غزه قرار دارد. از این رو، ایده تحویل سلاح‌های پیشرفته به مقاومت فلسطین با توجه به فضای سیاسی حاکم بر برخی دولت‌های منطقه، چندان قابلیت عملیاتی ندارد و اساساً برخی از این دولت‌ها حاضر به پرداخت هزینه‌های سنگین این موضوع نیستند. همین معادله سبب شده است جمهوری اسلامی ایران در مسئله دفاع از مقاومت و ملت فلسطین جایگاه ویژه و محوری در جهان اسلام داشته باشد.